

بسمه تعالی

سردبیر و داوران محترم نشریه علمی-ترویجی راهبرد توسعه
سلام علیکم

با صلوات بر محمد (ص) و آل محمد (ص) و با احترام، ضمن عرض تبریک به مناسبت فرا رسیدن هفته دفاع مقدس و تشکر از سعه صدر شما اساتید بزرگوار، از تاخیر در ارسال اصلاحیه مقاله به نشریه به دلیل از دست دادن پدر و دو برادر عزیزم در اثر سانحه تصادف پوزش می طلبم. از نظرات ارزنده شما اساتید بزرگوار در اصلاح مقاله استفاده نموده و مقاله به حضورتان ارسال می گردد.

1- به لحاظ ویرایشی متن بسیار نامناسب است تقریبا بسیاری از نشانه گذاری ها، رعایت روانی متن در مقاله رعایت نشده است.
متن مقاله مورد بازخوانی و ویرایش قرار گرفت و تمام سعی حقیر بر آن بود تا متن مقاله به بهترین شکل ممکن، همانطور که مد نظر داوران محترم می باشد برآورده گردد.

2- روش به کار گرفته شده در متن به درستی استفاده نشده است.
اصلاحات مورد نظر داوران محترم صورت پذیرفت. در این مطالعه پس از مقدمه در بخش اول، مبانی نظری بررسی می شود. بخش سوم، به ادبیات موضوعی اختصاص دارد. روش شناسی پژوهش را در بخش چهارم ارائه می دهیم. در بخش پایانی به نتیجه گیری خواهیم پرداخت.

3- مقاله پایه مدل در پیشینه تحقیق و در قسمت منابع ذکر نشده است. (رفیق و همکاران، 2016)

اصلاحات مورد نظر داوران محترم صورت پذیرفت و مقاله پایه مدل در پیشینه تحقیق و در قسمت منابع آورده شده است.

4- ترتیب آزمون ها به درستی به کار گرفته نشده است. به طور مثال آزمون های ریشه واحد و مانایی ابتدا باید آورده شوند.

اصلاحات مورد نظر داوران محترم صورت پذیرفت و ترتیب آزمون ها اصلاح گردید. به طور مثال اولین آزمون در بخش روش شناسی، آزمون ریشه واحد لوین، لین و چو می باشد.

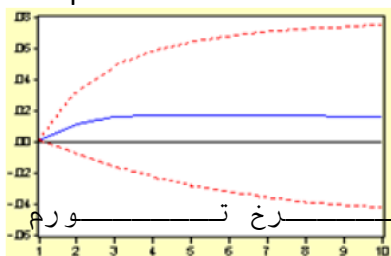
5- ترتیب مطالب متن مناسب نیست. به طور مثال بهتر بود یک بخش ادبیات موضوع بیان می شد و نه در قسمت ساختار و برآورد مدل و حتی پیش از مطالعات پیشین.

ترتیب مطالب در متن مقاله اصلاح گردید و مطالب آورده شده در قسمت ساختار و برآورد مدل و مطالعات پیشین حذف و در بخش ادبیات موضوع به آن پرداخته شد.

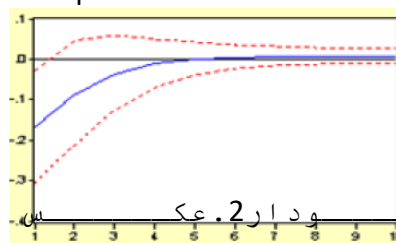
6- مناسب بود تحلیل اکتشافی و نموداری نیز پیش از برآورد آورده شود.

همانطور که از نمودار 1 پیداست، تلاطم باز بودن تجاری اثر مثبت بر رشد اقتصادی دارد. نمودار 2 واکنش نرخ تورم نسبت به تلاطم باز بودن تجاری را نشان می دهد. در اتدا یک تلاطم باز بودن تجاری به اندازه یک انحراف معیار اثر مثبت و قابل توجهی بر تورم دارد.

Response of LGDP to LOP



Response of LIN to LOP



نمودار 1. عکس العمل رشد اقتصادی

7- بخش ادبیات موضوع و مطالعات پیشین ضعیف است و امکان افزایش غنای آن وجود دارد.

بخش ادبیات موضوع تقویت گردید و مطالعات پیشین نیز متناسب با نتایج تحقیق به لحاظ کمی و کیفی افزایش یافت.

8- طبق نظر فریدمن، در تورم های بالا مزیت تورم بیشتر می شود. این مطلب نیز با توجه به تذکر داوران محترم اصلاح گردید.

9- نتایج این مقاله تقریباً بر خلاف نتایج مطالعات پیشین است. استدلال دقیق نویسنده محترم مشخص نیست (به طور مثال اکثر مطالعات اثر منفی بین باز بودن و تورم رسیدند اما در این مطالعه به اثر مثبت). در تشریح اثرات متقابل تورم و درجه باز بودن تجارت اکثراً ۲ دیدگاه مطرح است. دیدگاه نخست بر این اساس استوار است که نسبت واردات به تولید ناخالص داخلی در هر کشور نه تنها به وسعت آن کشور بستگی دارد بلکه به سیاستهای پولی نهادهای نظارتی آن نیز وابسته است. دیدگاه دیگر بیشتر به ملاحظات بودجه بندی دولت ها و نحوه اجرای سیاستهای پولی تکیه دارد. بر اساس این دیدگاه ها درجه باز بودن تجارت بر تورم ناشی از عدم تجارت و مزایای مرتبط با هزینه تورم اثر گذار است. به همین جهت اغلب انتظار می رود در نظام های اقتصادی بازتر، انگیزه های سیاستگذاران برای گسترش بیشتر نظام اقتصادی پایین تر بوده و نرخ تورم تحت سیاست های احتیاطی مناسب پایین تر باشد (رومر، ۱۹۹۳). در مقابل، برخی دیگر ادعا می کنند باز بودن تجارت لزوماً منجر به کاهش سطح عمومی قیمت ها نمی شود، به عنوان مثال اوآنز (۲۰۰۷) تأکید دارد اثرات مثبت آزاد بودن تجارت بر کاهش نرخ تورم اغلب به این دلیل است که نفوذ سیاست های پولی در بازارهای بین المللی بسیار بالا بوده و این درجه نفوذ منجر به بروز نوسان در تقاضای مصرف کنندگان داخلی برای کالاهای تولید داخل می شود. بر اساس نظریه های جدید رشد، باز بودن تجارت از طریق افزایش کارایی در تولید، تخصیص بهتر منابع، استفاده بهتر از ظرفیت ها و افزایش جذب سرمایه گذاری های خارجی موجب کاهش نرخ تورم می شود (جین، ۲۰۰۰). در همین راستا برخی دیگر نیز اعتقاد دارند که عدم وجود رقابت کامل در بازارهای داخلی و ثبات قیمت ها در بخش های غیر بازرگانی منجر به بروز رابطه ای معکوس بین تورم و درجه باز بودن تجارت خواهد شد (لین، ۱۹۹۷). او کان (۱۹۸۱) و نیز بروز نوسان در سطح تولیدات داخلی را موجب وارد شدن شوک بر سطح عمومی قیمت ها و در نهایت تسهیل آزادسازی اقتصادی می دانند. بر اساس مبانی ذکر شده انتظار می رود رابطه معناداری بین تورم و باز بودن تجارت برقرار باشد. نتایج این مطالعه نشان می دهد که باز بودن تجارت و تلاطم آن تأثیری مثبت بر رشد اقتصادی و تورم در کشورهای صادر کننده نفت دارد. این

نتیجه با مطالعات لوید و مک لارن¹، زکریا² کوریهارا³، کاراس⁴ همخوانی دارد. همچنین نتایج حاصل از آزمون ها و برآورد الگوها نشان می دهد در کشورهای وارد کننده نفت، باز بودن تجاری اثر مثبت و تلاطم آن اثری منفی بر رشد اقتصادی دارد. این نتیجه با مطالعات بهمنی اسکویی و نیرومند⁵ و جین⁶ همخوانی دارد. علاوه بر آن نتایج حاصل از برآورد مدل ها نشان می دهد باز بودن تجاری اثری منفی و تلاطم آن اثری مثبت بر تورم کشورهای وارد کننده نفت طی دوره مورد مطالعه دارد. این نتیجه با مطالعات رومر⁷، ترا⁸، حامی⁹ و جعفری صمیمی و همکاران¹⁰ همخوانی دارد.

10- نتیجه این مقاله به اثر گذاری یکسانی در دو گروه کشور صادر کننده و وارد کننده رسیده است. استدلال خوبی نیز در این رابطه بیان نشده است. در ضمن باز بودن اقتصادی در مجموع خوب نیست در هر دو کشور.

در الگوی اول تلاطم باز بودن تجاری تاثیری مثبت بر رشد اقتصادی در کشورهای صادر کننده نفت دارد. به عبارت دیگر، تلاطم باز بودن تجاری باعث بالا بردن بازدهی شرکتهای داخلی از طریق رقابت بیشتر و تخصیص منابع در کشورهای صادر کننده نفت منجر به افزایش تولید و رشد اقتصادی می گردد.

در الگوی اول تلاطم باز بودن تجاری تاثیری منفی بر رشد اقتصادی در کشورهای وارد کننده نفت دارد. به عبارت دیگر، تلاطم باز بودن تجاری باعث افزایش واردات کالای مصرفی می شود که کاهش تولید کل و رشد اقتصادی را در کشورهای وارد کننده نفت در پی خواهد داشت. همانطور که ملاحظه می فرمائید نتیجه رابطه تلاطم باز بودن و رشد اقتصادی در دو گروه کشور صادر کننده و وارد کننده نفت در الگوی اول یکسان نمی باشد.

¹Loyd and McLaren

² Zakaria

³ Kurihara

⁴ Karras

⁵ Bahmani-Oskooee and Niroomand

⁶ Jin

⁷ Romer

⁸ Terra

در الگوی دوم باز بودن تجاری باعث افزایش صادرات و کاهش عرضه کالا در داخل می‌گردد که رشد قیمت‌ها و رشد نرخ تورم را در کشورهای صادرکننده نفت در پی خواهد داشت.

در الگوی دوم باز بودن تجاری از طریق افزایش کارایی در تولید، تخصیص بهتر منابع، استفاده بهتر از ظرفیت‌ها و افزایش جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی در کشورهای واردکننده نفت موجب کاهش نرخ تورم می‌شود. همانطور که ملاحظه می‌فرمائید نتیجه رابطه باز بودن تجاری و تورم در دو گروه کشور صادرکننده و واردکننده نفت در الگوی دوم یکسان نمی‌باشد.

در الگوی دوم تلاطم باز بودن تجاری تاثیری مثبت بر تورم در کشورهای صادرکننده نفت دارد. به عبارت دیگر، تلاطم باز بودن تجاری بر قیمت‌های نسبی از طریق تغییر قیمت نسبی کالاهای وارداتی تاثیر می‌گذارد. برای توجیه این اثرگذاری می‌توان به این نکته اشاره کرد که وجود برخی هزینه‌ها، باعث می‌شود قیمت‌های نسبی به شوک‌های ایجاد شده واکنش صحیح نشان ندهند که این امر سبب ایجاد عدم تقارن در توزیع قیمت‌های نسبی می‌شود. نبود تقارن در توزیع قیمت‌های نسبی بر سطح عمومی قیمت‌ها اثر گذاشته و سبب انتقال منحنی عرضه کل به چپ و سبب افزایش قیمت‌ها می‌گردد.

در الگوی دوم تلاطم باز بودن تجاری تاثیری مثبت بر تورم در کشورهای واردکننده نفت دارد. به عبارت دیگر، بروز نوسان در سطح تولیدات داخلی باعث انتقال منحنی عرضه به سمت بالا گردیده و موجب وارد شدن شوک بر سطح عمومی قیمت‌ها و سبب افزایش قیمت‌ها و در نهایت تسهیل آزاد سازی تجاری می‌گردد.

همانطور که ملاحظه می‌فرمائید از طریق مکانیسم بالا نتیجه تلاطم باز بودن تجاری و تورم در الگوی دوم در دو گروه کشور صادرکننده و واردکننده نفت یکسان می‌باشد.

11-مدل به صورت پانل دیتا هست چرا سری زمانی نوشته شده

است، معلوم نیست برای چه کشوری محاسبه شده است.

مدل به صورت پانل دیتا برآورد شده است و تلاطم سری زمانی آورده شده در مقاله، اصلاح گردید.

12- رابطه 1-3 با مدل معرفی شده در متن بالای آن هماهنگی

ندارد، یعنی درجه یک است و نه 3 .

مدل ARIMA زیر را که همان رابطه 1-3 می باشد را مورد برآورد قرار می دهیم :

$$EX_t = \alpha + \beta EX_{t-1} + \sum_{i=1}^4 \gamma_i \varepsilon_{t-i}$$

جدول (3) . تخمین الگوی ARIMA

مقدار احتمال	آماره t	انحراف معیار	ضریب	متغیر
0/0001	8/00	2/94	23/54	C
0/0021	-3/16	0/0888	-0/280	AR(1)
0/5364	-0/620	0/364	-0/226	MA(1)
0/0027	3/088	0/103	0/319	MA(2)
0/0139	2/54	0/117	0/297	MA(3)
0/2223	1/232	0/363	0/448	MA(4)

همانطور که مشاهده می گردد درجه یک می باشد.

13- جداول بسیار ابتدایی طراحی شده اند که در حال حاضر در

مقالات مرسوم نیست.

جداول در بخش مطالعات پیشین حذف و در بخش روش شناسی پژوهش بنا به نظر داور محترم اصلاح گردید.

14- پس از برآورد مدل اولیه حتما باید آزمون خود همبستگی انجام

شود و در ضمن مدل نهایی قرار می گرفت کافی بود. در ضمن از معیارهای آکائیک و شوارتز نیز می توانست استفاده شود.

یکی از آزمون های مشهور برای تشخیص خود همبستگی ، آزمون دوربین واتسون است. طبق این آزمون اگر مقدار آن به 2 نزدیک باشد، مشکل همبستگی وجود نخواهد داشت. از آنجایی که آماره دوربین واتسون به 2 نزدیک است، بنابراین مدل ها خود همبستگی ندارد و نتایج حاصل از مدل قابل اعتماد است. همچنین در مطالعه حاضر، از معیار شوارتز استفاده شده است.

15- با وجود 28 داده به نظر می رسد اثرات آرج وجود نداشته باشد.

آزمون نیکویی برازش (نرمال بودن) به شرح ذیل در جهت برطرف کردن این مشکل انجام گرفت.

آزمون نیکویی برازش

برای این منظور، بعد از تخمین مدل، بر روی جزء اخلاص معادله، آزمون نرمال بودن انجام گرفت. نرمال بودن جملات تصادفی با استفاده از آزمون نرمال ژاک-برا¹ انجام شده است.

برای توزیع نرمال مقدار چولگی به سمت صفر و مقدار کشیدگی، به سمت عدد 3 میل می کند. اگر مقدار احتمال محاسبه شده آماره ژاک-برا به اندازه کافی پایین باشد (کمتر از 5 درصد)، فرضیه صفر، یعنی نرمال بودن توزیع جملات تصادفی را، می توان رد کرد. ولی اگر مقدار احتمال به طور معناداری بالا باشد، فرضیه نرمال بودن را می توان پذیرفت. نتایج حاصل از آزمون در جدول 1 آمده است:

جدول 1: آزمون خوبی برازش تخمین مدل های ARCH

نوع آماره	نرخ رشد اقتصادی	نرخ تورم
چولگی	. /1702	. /0347
کشیدگی	3/1359	. /5750
آماره ژاک-برا مقدار احتمال* Prob	. /7169 (* /6987)	1/7333 (* /4203)

منبع: محاسبات تحقیق

همان طور که دیده می شود فرضیه H_0 مبنی بر نرمال بودن جزء اخلاص، پذیرفته می شود (مقدار Prob به دست آمده از انجام این آزمون بیشتر از سطح اطمینان 5 درصد می باشد). قبل از تخمین سری ها و استفاده از مدل های ARCH و GARCH، دیده شد که جزء اخلاص از یک فرآیند ARCH پیروی می کنند (وجود واریانس ناهمسانی در جزء اخلاص)، که این نشان دهنده ی عدم نرماتل بودن جزء اخلاص سری نرخ تورم و رشد اقتصادی می باشد، در حالی که بعد از تخمین مدل، این مشکل برطرف شد، که این نشان دهنده ی خوبی برازش مقدار ARCH و GARCH سری ها می باشد.

16- درجه باز بودن تجاری در کشورهای نفتی لزوما شاخص مناسبی نیست.

با توجه به ضعیف بودن اقتصاد این کشورها و جایگاه پایین صادرات غیر نفتی و اینکه عمده صادرات این کشورها نفت است، از درجه باز بودن تجاری در مطالعه استفاده شده است.

¹Jarque-Bera

17-عنوان مقاله با محتوا کمی متفاوت است. عنوان از اثر تلاطم صحبت می کند. تلاطم باز بودن و خود باز بودن دو موضوع جداگانه ای هست.

متغیر باز بودن تجاری نیز به عنوان مقاله اضافه گردید و اصلاحات مورد نظر داوران محترم در متن مقاله انجام پذیرفت. البته باز هم از راهنمایی های ارزنده تان استفاده خواهیم کرد.

18-در مجموع مقاله ضعف جدی دارد و باید بهبود پیدا کند.

سعی حقیر بر این بود که تمام اصلاحات مد نظر داوران محترم و عزیز را انجام پذیرد و در ادامه نیز از راهنمایی های ارزنده شما اساتید بزرگوار برای هر چه بهتر شدن این مطالعه با اشتیاق و انگیزه مضاعف استفاده خواهد شد.

با تشکر

تاثیر باز بودن تجاری و تلاطم آن بر رشد اقتصادی و تورم در کشورهای عضو کنفرانس اسلامی

اقتصاد باز و تجارت خارجی همواره بعنوان محرک تولید و رشد اقتصادی از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده است. به عقیده بسیاری از اقتصاد دانان، درجه باز بودن یا بسته بودن اقتصاد و تجارت خارجی با سایر کشورها، اثرات کلان اقتصادی برای کشورها به همراه داشته و حتی در اقتصاد کلان میزان اثرگذاری سیاست ها با توجه به این نکته تحلیل می شود. بنابراین با توجه به درجه باز بودن اقتصاد کشورها، سیاست گذاری جهت رشد اقتصادی انجام می شود. امروزه به دلیل نقش بارز تجارت، به عنوان یکی از عوامل رشد و توسعه اقتصادی کشورها، تقریباً همه ی دولت ها از طرق مختلف از قبیل پیمان های منطقه ای و تجاری، سیاست های تشویقی و تنبیهی مانند تخفیفات گمرکی یا تحریم های تجاری سعی دارند در جامعه جهانی اثر گذار باشند. در این پژوهش به بررسی تاثیر باز بودن تجاری و تلاطم آن بر رشد اقتصادی و تورم در دوره 1990-2018 در دو گروه از کشورهای صادر کننده و وارد کننده نفت منتخب عضو کنفرانس اسلامی پرداخته ایم. به بیان دیگر، در این پژوهش به دنبال پاسخ به دو پرسش هستیم. آیا ارتباط مثبت بین باز بودن تجاری و تلاطم آن بر رشد اقتصادی و تورم در کشورهای صادر کننده و وارد کننده نفت منتخب عضو کنفرانس اسلامی وجود دارد؟ آیا ارتباط معکوس بین باز بودن تجاری و تلاطم آن بر رشد اقتصادی و تورم در کشورهای صادر کننده و وارد کننده نفت منتخب عضو کنفرانس اسلامی وجود دارد؟ برای پاسخ به این پرسش ها از مدل واریانس ناهمسانی شرطی خود رگرسیو تعمیم یافته (GARCH) استفاده شده است. نتایج نشان می دهد که باز بودن تجاری و تلاطم آن تاثیری مثبت بر رشد اقتصادی و تورم در کشورهای صادر کننده نفت دارد. این نتیجه با مطالعات لوید و مک لارن¹، زکریا²، کوریهارا³ و کاراس⁴ همخوانی دارد. همچنین نتایج حاصل از آزمون ها و برآورد الگوها نشان می دهد در کشورهای وارد کننده نفت، باز بودن تجاری اثر مثبت و تلاطم آن اثری منفی بر رشد اقتصادی دارد. این نتیجه با مطالعات بهمنی اسکویی و نیرومند⁵ و جین⁶ همخوانی دارد. علاوه بر آن نتایج حاصل از برآورد مدل ها نشان می دهد باز بودن تجاری اثری منفی و تلاطم آن اثری مثبت بر تورم کشورهای وارد کننده نفت طی دوره مورد مطالعه دارد. این نتیجه با مطالعات رومر⁷، ترا⁸، حامی⁹ و جعفری صمیمی و همکاران¹⁰ همخوانی دارد.

واژه های کلیدی: باز بودن تجاری، رشد اقتصادی، تورم، مدل گارچ (GARCH)، داده های تابلویی

¹Loyd and McLaren

²Zakaria

³Kurihara

⁴Karras

⁵Bahmani-Oskooee and Niroomand

⁶Jin

⁷Romer

⁸Terra

مقدمه

توجه به متغیرهای اقتصاد کلان از قبیل تورم و رشد اقتصادی و بررسی عوامل موثر بر آن یکی از دغدغه های اقتصاد دانان در دهه های اخیر بوده است. گسترش مباحث مربوط به جهانی شدن و افزایش تجارت بین کشورها به طرح پرسش های حل نشده بسیاری در اقتصاد کلان منجر شد. یکی از این پرسش ها اثر باز بودن تجاری و اعمال سیاست های تجاری بر متغیرهای کلان اقتصادی شامل تورم و رشد اقتصادی است. اتخاذ سیاست های آزاد سازی تجاری به تحرک آزاد کالاها و خدمات در بین کشورها منجر می گردد. آنچه مسلم است تورم از معضلات عمده اقتصادی می باشد که کنترل آن و ثبات قیمت ها یکی از اهداف سیاست گذاران، در هر کشور می باشد. در این راستا سیاست های مدیریت تقاضا و بخصوص سیاست های پولی به عنوان یکی از ابزارهای مهم برای نیل به این اهداف می باشد. سیاست های پولی بدن شک مستقیم ترین عامل اثرگذار و تعیین کننده تورم می باشند و با بکارگیری و هدایت صحیح سیاست های پولی می توان ضمن دستیابی به تورم پائین و با ثبات به رشد اقتصادی پایدار نیز دست یافت. رشد اقتصادی بالا و تورم پایین دو هدف اصلی سیاست گذاری های کلان اقتصادی می باشد. اگر چه سطوح پایین تورم از طریق افزایش انعطاف پذیری دستمزدها و قیمت ها تاثیر مثبت بر رشد اقتصادی دارد¹. (Lucas, 1973) لیکن سطح تورم متوسط به بالا از طریق تغییرات نسبی قیمت ها اثر نامطلوبی بر توزیع کارای منابع دارد که این امر به نوبه خود اثر نامطلوبی بر رشد اقتصادی دارد². (Fisher, 1993)

از آنجا که کشورهای عضو کنفرانس اسلامی (OIC) کشورهای در حال توسعه هستند، و با وجود مشکلاتی از قبیل نرخ بالای تورم، نرخ رشد اقتصادی به شدت نوسانی و گاهی منفی، کمبود مهارت های انسانی، ناکارایی در تولید، عدم برخورداری از تحولات تکنولوژیکی و فقدان تخصص های مورد نیاز جهت تولید و صدور کالاهای قابل رقابت در سطح بین الملل، تاکنون نتوانسته اند سهم چندانی در تجارت خارجی داشته باشند. لذا گروهی از اقتصاد دانان معتقدند در این کشورها توسعه تجارت خارجی می تواند سطح مهارت ها و قابلیت های نیروی کار را افزایش داده و سبب افزایش سطح بهره وری عوامل تولید، کاهش تورم و تحولات تکنولوژیک شده و از این طریق قادر شوند زمینه ی لازم برای توسعه تجارت بین الملل و رسیدن به رشد اقتصادی بالاتر را فراهم آورند. از سوی دیگر، گروهی از اقتصاد دانان به تاثیر مثبت سیاست تجاری آزادتر بر رشد اقتصادی و کاهش تورم تردید دارند و معتقدند که مطالعات تجربی موجود با تنگناهای روش شناختی روبرو هستند، بطوریکه نتایج این مطالعات نسبت به تصریح مدل، انتخاب نمونه و دوره زمانی استحکام ندارند و بنابراین نتایج آن ها را در بهترین حالت ضعیف و در بدترین حالت گمراه کننده می انگارند. (طیپی و دیگران، 1388)

کوپوک³ (1977) اعتقاد داشت از آنجا که هدف فعالیت های اقتصادی استفاده از منابع تغییر یافته در جهت رسیدن به خواسته ها می باشد، همه ی

¹Lucas(1973)

² Fisher(1993)

³Coppock(1977)

تغییرات نمی تواند نامطلوب و ناخواسته فرض شود. به همین دلیل وی معتقد بود که باید بین نوسانات¹ مفید و نوساناتی که مشکل زا هستند، تفاوت قائل شد. بدین ترتیب، وی بحث می کند که نوسانات نباید به هر انحرافی از یک مسیر ثابت تلقی شود، بلکه انحراف بیش از حد نرمال، که مقادیر نرمال معمولاً مقادیر خط روند می باشند، مد نظر است. این ادعای وی مشخص می کند که تعریف دقیق از نوسانات مستلزم قضاوت صحیح در مورد واژه هایی مثل افراط²، تفریط³ و عادی⁴ می باشد که اغلب محققین در مورد مباحث مربوط به نوسانات از آنها استفاده کرده اند. اغلب روش های بکار گرفته برای تعریف نوسانات، به تجزیه روند و انحرافات در اطراف روند متمرکز شده اند. در این پژوهش به بررسی رابطه باز بودن تجاری و تلاطم آن بر رشد اقتصادی و تورم در بین کشورهای صادرکننده و وارد کننده نفت خام از دو گروه منتخب شامل دوازده کشور صادر کننده نفت (ایران، عراق، عربستان، امارات متحده عربی، الجزایر، کویت، لیبی، نیجریه، قطر، اکوادور، آنگولا، ونزوئلا) و دوازده کشور وارد کننده نفت (مالزی، مصر، مالی، گابن، تونس، توگو، سودان، اندونزی، پاکستان، مصر، بنگلادش، ترکیه) پرداخته شده است.

به طور مشخص در این تحقیق به دو پرسش در خصوص کشورهای منتخب عضو کنفرانس اسلامی پاسخ می دهیم. آیا بر اساس پیش بینی نظری ارتباط مثبت بین بازبودن تجاری و تلاطم آن بر رشد اقتصادی و تورم در کشورهای صادر کننده و وارد کننده نفت منتخب عضو کنفرانس اسلامی وجود دارد؟ آیا ارتباط معکوس بین باز بودن تجاری و تلاطم آن بر رشد اقتصادی و تورم در کشورهای صادر کننده و وارد کننده نفت منتخب عضو کنفرانس اسلامی وجود دارد؟ پژوهش های صورت گرفته بیشتر بر روی رابطه میان باز بودن تجاری و رشد اقتصادی و ارتباط بین باز بودن تجاری و تورم متمرکز شده و به تاثیر باز بودن تجاری و تورم در کشورهای صادر کننده و وارد کننده نفت و همچنین ارتباط همزمان میان باز بودن تجاری و تلاطم آن، رشد اقتصادی و تورم توجه ننموده اند. در این پژوهش این مساله را مورد مطالعه قرار خواهیم داد. پس از مقدمه در بخش اول، مبانی نظری بررسی می شود. بخش سوم، به ادبیات موضوعی اختصاص دارد. روش شناسی پژوهش را در بخش چهارم ارائه می دهیم. در بخش پایانی به نتیجه گیری خواهیم پرداخت.

مبانی نظری

مجادله درباره تاثیر سیاست تجاری بر رشد اقتصادی از پیشینه طولانی برخوردار است. مرکانتی لیست ها اتخاذ سیاست های محدود کننده واردات را تشویق می کردند. در قرن هجدهم الکساندر هامیلتون در امریکا و در قرن نوزدهم میلادی فریدریک لیست در آلمان وضع تعرفه های وارداتی بر واردات کالاهای انگلیسی (قدرت

¹ Volatility

² Wastful

³ Excessive

⁴ Normal

اقتصادی آن زمان را برای رشد صنایع کارخانه ای داخلی توصیه می کردند). در اواخر قرن نوزدهم بر جانشینی واردات تأکید می شد.¹ کلمنس و ویلیامسون (۲۰۰۱) و ایروین (۲۰۰۰) وجود همبستگی مثبت بین تعرفه های وارداتی و رشد اقتصادی را برای اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم تأیید کرده اند.

پس از جنگ جهانی دوم دیدگاهی بین اقتصاددانان، سیاست گزاران و برخی نهادهای بین المللی شکل گرفت که بر اساس آن اتخاذ سیاست جانشینی واردات سریع ترین راه صنعتی شدن و رشد اقتصادی است. بدین ترتیب سیاست جانشینی واردات طی دهه های ۱۹۵۰، ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ محور راهبردهای توسعه اقتصادی شد. با وجود این، گروه کوچکی از پژوهشگران رابطه جهت گیری تجاری برون نگر و عملکرد کلان اقتصادی را بررسی و اتخاذ سیاست جانشینی واردات را مورد انتقاد قرار دادند. همچنین برخی کشورهای در حال توسعه (سنگاپور، تایوان و کره جنوبی) راهبرد جهت گیری برون نگر را جایگزین راهبرد جهت گیری درون نگر کردند.² عملکرد ضعیف کلان اقتصادی کشورهای امریکای لاتین با راهبرد جانشینی واردات و رشد اقتصادی سریع کشورهای شرق آسیا با راهبرد توسعه صادرات به تدریج باعث توجه به جهت گیری تجاری برون نگر در کشورهای در حال توسعه شد. این مبنایی برای توجه نظری و تجربی به رابطه مثبت آزادسازی تجارت خارجی و رشد اقتصادی شد.

نظریات رشد اقتصادی را می توان به دو گروه نئوکلاسیک و درون زا تقسیم کرد.³

در دیدگاه نئوکلاسیک نظریه رشد که از سوی سولو (۱۹۵۹) و سوان (۱۹۵۹) مطرح و توسط سولو (۱۹۰۷)، کس (۱۹۹۵) و کوپمنس (۱۹۹۵) گسترش یافت، نرخ رشد اقتصادی سرانه بلند مدت به تغییر فنی برون زا و نرخ رشد جمعیت برونزا وابسته است و سیاست اقتصادی شامل سیاست تجاری بر نرخ رشد اقتصادی بلندمدت تأثیر ندارد. اگرچه سیاست اقتصادی الگوی تخصص محصول را تغییر می دهد. مطالعه تجربی الگوی رشد نئوکلاسیک ممکن نبود تا اینکه منکیو و همکاران (۱۹۹۲) امکان مطالعه تجربی مدل رشد نئوکلاسیک را میسر کردند. آنها مبنایی برای بررسی تأثیر سایر عوامل مؤثر (از جمله سیاست تجاری) بر رشد اقتصادی را فراهم کردند.

¹ - ایروین (2000b).

² هنگ کنگ از ابتدا راهبرد جهت گیری برون نگر را انتخاب کرده بود

³ - برای مطالعه نظریات رشد نگاه کنید. به بارو و سالی مارتین (1995)

در نظریه رشد درونزا نرخ رشد اقتصادی بلند مدت در داخل مدل تعیین می شود و سیاست های اقتصادی شامل سیاست تجاری می تواند بر رشد اقتصادی مؤثر باشد. پایه های نظری رابطه مثبت سیاست تجاری باز و رشد اقتصادی در چارچوب نظریه رشد درون زا را می توان در رومر (۱۹۸۹) و لوکاس (۱۹۸۸) جستجو کرد. نظریه رشد درون زا ساز و کارهای مختلفی برای تأثیر سیاست تجاری بر رشد اقتصادی ارائه کرده است. برخی از آنها عبارتند از:

الف. چنانچه رشد ناشی از تحقیق و توسعه (R&D) باشد، آنگاه تجارت دسترسی به پیشرفت های فنی شرکای تجاری را ممکن می سازد. گروسمن و هلپمن (۱۹۹۱) به سرریز^۱ فنی و انتقال بین المللی دانش به عنوان عوامل رشد اقتصادی اقتصاد باز تأکید دارند. بارو و سالای مارتین (۱۹۹۵ و ۱۹۹۷) نشان دادند که اقتصادهای بازتر فن آوری پیشرفته را بهتر وارد می کنند. با وجود این، یانگ (۱۹۹۱) وضعیتی را مطرح کرد که در آن ممکن است الگوهای مزیت نسبی به تخصص کشور در تولید کالاهایی بینجامد که در آنها نوآوری فنی با یادگیری با انجام دادن وجود نداشته باشد،^۲ در نتیجه باز بودن تجاری رشد بلند مدت را کاهش می دهد.

ب. تجارت امکان دسترسی به بازارهای بزرگتر را فراهم می کند. آدس وگلسر (۱۹۹۹) و آلسینا و همکاران (۱۹۹۹) مطرح کردند که باز بودن تجاری به بزرگ شدن بازار و بهره مندی از برخی منافع بالقوه بازده فزاینده به مقیاسی انجامد.

ج. کشورهای در حال توسعه می توانند با واردات کالاهای واسطه ای و سرمایه ای به رشد اقتصادی بالاتری دست یابند.

د. باز بودن سیاست تجاری می تواند انگیزه ای برای اتخاذ سیاست های کمتر اختلال زا و اعمال مدیریت قاعده مند کلان اقتصادی برای حفظ ثبات کلان اقتصادی و افزایش قدرت رقابت بنگاه های داخلی در بازارهای جهانی باشد و افزایش قدرت رقابتی تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی دارد.^۳ با وجود این، کشورهای بازتر ممکن است برای حمایت بنگاه های اقتصادی در برابر شوک های خارجی دولت بزرگتری به وجود آورند و دولت

^۱ - Spills Over

^۲ - Learning by Doing

^۳-فیشر (۱۹۹۳)

بزرگتر تخصیص منابع را مختل کرده و به رشد اقتصادی ضربه می زند.¹

کروگمن (۱۹۹۴)، رودریک (۱۹۹۵) و رودریگوز و رودریک (۲۰۰۱) بر مبانی نظری تاثیر مثبت سیاست تجاری بر رشد اقتصادی شک کردند. آنها معتقدند اثر باز بودن بر رشد اقتصادی در بهترین حالت بی معنی و در بدترین وضعیت گمراه کننده است. به بیان دیگر، مدل های تئوریک نمی توانند سیاست تجاری باز را به رشد اقتصادی سریع تر پیوند زنند.

آزادسازی تجارت یکی از مهم ترین ابزارهای فرایند جهانی شدن اقتصاد است. بر اساس نظریه های اقتصادی، تجارت آزاد موجب ارتقای سطح تولید و صادرات کالاها شده و نظام اقتصادی را بر مبنای مزیت های رقابتی شکل می دهد. بسیاری از محققین بر این عقیده اند که تجارت آزاد مزایای عمده ای را از قبیل بهبود فضای رقابت، ارتقای کیفیت کالاها و خدمات، تسریع دستیابی به رشد اقتصادی و به کارگیری نیروی کار متخصص در پی دارد. از سوی دیگر نیز تورم به دلیل ایجاد نااطمینانی های گسترده در اقتصاد همواره مورد توجه سیاستگذاران نظام های اقتصادی بوده است. بالا رفتن سطح عمومی قیمت ها نه تنها به دلیل تأثیرات آن در ناپایداری های اقتصادی بلکه اغلب به جهت فشار آن روی اقشار کم درآمد مورد بحث و تبادل نظر بوده است (حنیف و بتول، ۲۰۰۶).

طرفداران نظریه های اقتصاد باز، در اکثر موارد آزادسازی تجارت را مرتبط با کاهش سطح عمومی قیمت کالاها و خدمات می دانند. بر اساس این دیدگاه سنتی، درجه بالاتری از باز بودن تجارت منجر به کاهش نرخ تورم در بلندمدت، از طریق تأثیر بر تقاضا برای صادرات و واردات، می گردد (ارون و مول بائر، ۲۰۰۷)، در حالی که برخی شواهد ارائه شده در سال های اخیر در جهت رد این ادعا بوده اند (زکریا، ۲۰۱۰ و جعفری صمیمی و همکاران، ۲۰۱۲).

در تشریح اثرات متقابل تورم و درجه باز بودن تجارت اکثراً دیدگاه مطرح است. دیدگاه نخست بر این اساس استوار است که نسبت واردات به تولید ناخالص داخلی در هر کشور نه تنها به وسعت آن کشور بستگی دارد بلکه به سیاستهای پولی نهادهای نظارتی آن نیز وابسته است. دیدگاه دیگر بیشتر به ملاحظات

¹-رودریک (۱۹۹۸).

بودجه بندی دولت ها و نحوه اجرای سیاستهای پولی تکیه دارد. بر اساس این دیدگاه ها درجه باز بودن تجارت بر تورم ناشی از عدم تجارت و مزایای مرتبط با هزینه تورم اثر گذار است. به همین جهت اغلب انتظار می رود در نظام های اقتصادی بازتر، انگیزه های سیاستگذاران برای گسترش بیشتر نظام اقتصادی پایین تر بوده و نرخ تورم تحت سیاست های احتیاطی مناسب پایین تر باشد (رومر، ۱۹۹۳). در مقابل، برخی دیگر ادعا می کنند باز بودن تجارت لزوماً منجر به کاهش سطح عمومی قیمت ها نمی شود، به عنوان مثال اوانز (۲۰۰۷) تأکید دارد اثرات مثبت آزاد بودن تجارت بر کاهش نرخ تورم اغلب به این دلیل است که نفوذ سیاست های پولی در بازارهای بین المللی بسیار بالا بوده و این درجه نفوذ منجر به بروز نوسان در تقاضای مصرف کنندگان داخلی برای کالاهای تولید داخل می شود. بر اساس نظریه های جدید رشد، باز بودن تجارت از طریق افزایش کارایی در تولید، تخصیص بهتر منابع، استفاده بهتر از ظرفیت ها و افزایش جذب سرمایه گذاری های خارجی موجب کاهش نرخ تورم می شود (جین، ۲۰۰۰). در همین راستا برخی دیگر نیز اعتقاد دارند که عدم وجود رقابت کامل در بازارهای داخلی و ثبات قیمت ها در بخش های غیر بازرگانی منجر به بروز رابطه ای معکوس بین تورم و درجه باز بودن تجارت خواهد شد (لین، ۱۹۹۷). او کان (۱۹۸۱) و نیز بروز نوسان در سطح تولیدات داخلی را موجب وارد شدن شوک بر سطح عمومی قیمت ها و در نهایت تسهیل آزادسازی اقتصادی می دانند. بر اساس مبنای ذکر شده انتظار می رود رابطه معناداری بین تورم و باز بودن تجارت برقرار باشد.

رابطه میان تلاطم بازبودن تجاری با رشد اقتصادی و تورم

الف) ارتباط بین درجه بازبودن تجاری و رشد اقتصادی

در متون اقتصادی در خصوص تأثیر مثبت تجارت خارجی بر نرخ رشد اقتصادی مطالعات متعددی صورت پذیرفته است. طرفداران استراتژی توسعه صادرات معتقدند که افزایش در صادرات باعث بهبود بهره وری و در نهایت به رشد اقتصادی منجر خواهد شد. سوداگران در قرن ۱۶ معتقد بودند که ثروت یک ملت شامل ذخیره فلزهای قیمتی آن کشور است. آنها بر تراز تجاری مثبت تأکید داشتند که در آن باید میزان صادرات بیش از واردات باشد. تراز تجاری مثبت باعث افزایش در ورود فلزات قیمتی از سایر کشورها و در نتیجه افزایش در ثروت ملی یک کشور می شود. با توجه به این نکته که سوداگران بر این باورند که اقتصاد در شرایط کمتر اشتغال کامل فعالیت می کند، در نتیجه افزایش در عرضه پول، اقتصاد را

تحریک کرده و باعث رشد محصول می شود.¹ نظریه کلاسیک ها، بعد از سوداگران، مهم ترین نظریه طرفدار اثر مثبت تجارت و بازبودن تجاری بر رشد تولید و بهره وری بود. طرفداران نظریه کلاسیک اعتقاد داشتند که گسترش تجارت در بین کشورها باعث افزایش تخصص در تولید کالاها و خدمات و در نتیجه افزایش کارآیی در بخش های صادرات محور شده و بنابراین موجب تخصیص مجدد منابع از بخشهای با بهره وری کم تر به بخش های با بهره وری بالاتر گردیده و در نهایت، از این طریق باعث افزایش در محصول و در نتیجه رشد اقتصادی خواهد شد. اسمیت بیان کرد که تجارت بین الملل به توسعه بازار و تقسیم کار منجر می شود. به بیان دیگر، تجارت باعث تخصصی شدن افراد در تولیدکالاها و خدمات شده که در نهایت به بهبود بهره وری و رشد تولید منجر خواهد شد.² پس از اسمیت، ریکاردو تجارت بین الملل را در چارچوب نظریه ارزش کار خود مطرح نمود و نظریه معروف «مزیت نسبی» خود را ارائه کرد. از نظر ریکاردو مزیت نسبی زمانی وجود دارد که نیروی کار نسبی مورد نیاز برای تولید کالاها در دو کشور متفاوت باشد.³ به علت صادرات ناشی از مزیت نسبی در یک کشور، بهره وری نیروی کار در بخش های صادرکننده افزایش یافته و باعث افزایش تولید می شود.

نواقص موجود در نظریه رشد کلاسیک در خصوص توضیح پدیده های مربوط به رشد کشورها باعث شکل گیری نظریه های رشد نئوکلاسیک شد. در الگوهای ابتدایی و ساده رشد نئوکلاسیکی مانند الگوی سلو فرض می شود که محصول با سه عامل سرمایه، نیروی کار و تکنولوژی تولید میشود. در الگوهای اولیه نرخ رشد نیروی کار، نرخ پس انداز و پیشرفت تکنولوژی برونزا فرض می شود. به دلیل کاستی های موجود در مدل های اولیه رشد نئوکلاسیکی، الگوهای رشد درونزا توسط برخی اقتصاددانان مانند رومر⁴ و لوکاس⁵ مطرح شد. در این الگوها دانش و پیشرفت تکنولوژی درونزا در نظر گرفته میشود. برای درونزا نمودن عواملی که در الگوهای ساده نئوکلاسیکی برونزا فرض می شود رویکردها و روشهای مختلفی توسط اقتصاددانان انتخاب شده که خارج از حوصله این نوشته می باشد. اما در حالت کلی می توان با استفاده از الگوهای رشد درونزا برای اقتصاد باز نشان داد که آزادسازی تجاری از طریق ایجاد تنوع و بهبود کیفیت نهاده های واسطه ای، ارتقای دانش و تکنولوژی، بهبود اثرات یادگیری ضمن کار و توسعه بازار می تواند بر رشد اقتصادی تأثیرگذار باشد. به طور مثال، یانگ⁶ (۱۹۹۱) در مقاله خود بیان می کند که کشورهایی که فعالیتهای خود را با تکیه بر یادگیری ضمن کار و تجارت انجام می دهند، در تولید این محصولات و خدمات تخصص پیدا کرده و با آزادسازی تجاری به دلیل ورود نهاده های واسطه های کارآمدتر و در پی آن

¹Appleyard and Field (1995). PP. 19-22

²Ibid. pp. 24-26

³Ibid

⁴Romer, Paul. (1986)

⁵Lucas, Robert. (1988)

⁶Young (1991). PP.404-405

افزایش در بهره‌وری تولید، به رشد اقتصادی بالاتری دست پیدا خواهند کرد.

ب) ارتباط بین باز بودن تجاری و تورم

در یک اقتصاد بسته، سیاست پولی انبساطی می‌تواند تحت شرایطی به مازاد تقاضا در اقتصاد منجر شده و در نتیجه باعث افزایش سطح عمومی قیمت‌ها شود. در یک اقتصاد باز، فشار برای افزایش قیمت‌ها می‌تواند از طریق واردات و در نتیجه توسط تغییر در تراز پرداخت‌ها کاهش یابد. در واقع، باز بودن تجاری ممکن است بخشی از فشار تورمی را به تراز پرداخت‌ها منتقل کرده و در نتیجه، افزایش متوسط در سطح عمومی قیمت‌ها در اقتصاد کمتر از اقتصاد بسته تر باشد. به بیان دیگر، هر چه اقتصاد بازتر باشد، میزان تغییر در تراز پرداخت‌ها برای از بین بردن فشار تورمی بیشتر خواهد بود، لذا انتظار می‌رود که در اقتصادهای بازتر، تورم کمتری وجود داشته باشد.¹

ارتباط بین باز بودن تجاری و تورم را می‌توان بر اساس مدل بارو-گوردون² بررسی نمود، به گونه‌ای که افزایش غیرقابل پیش‌بینی در حجم پول باعث افزایش تورم می‌شود. رومر (۱۹۹۳) بر اساس این مدل، به بررسی این فرضیه می‌پردازد که تورم در کشورهای بزرگتر و بسته‌تر بیشتر است. در این الگو، افزایش در نسبت واردات به تولید ناخالص داخلی به عنوان معیار باز بودن تجاری در نظر گرفته می‌شود. رومر نشان می‌دهد که افزایش غیرقابل پیش‌بینی در حجم پول، باعث افزایش در قیمت‌ها و محصول می‌شود. وی نشان می‌دهد که اگر مقامات پولی بخواهند با استفاده از افزایش غیرمنتظره و پیش‌بینی نشده در حجم پول بر اقتصاد خود تأثیر بگذارند، در کشورهایی که بازتر هستند، متوسط افزایش در حجم پول کمتر و در نتیجه نرخهای متوسط تورم نیز کمتر است.

مروری بر ادبیات موضوع پژوهش‌های خارجی

به طور کلی، پژوهش‌های انجام شده در خارج به دو دسته تقسیم می‌شود. گروه اول رابطه میان باز بودن اقتصاد و تورم را مورد بررسی قرار می‌دهد. بطور نمونه رومر³ (1993) در مطالعه‌ای به بررسی اثر باز بودن تجاری بر تورم در نمونه‌ای شامل 114 کشور از سال 1993 به بعد می‌پردازد. یافته‌های وی نشان می‌دهد که نرخ تورم در کشورهای بازتر و کوچکتر، کمتر است. کاراس (1995) نقش درجه باز بودن تجاری بر اثر گذاری

¹Rogoff. (1985)

²Barro and Gordon. (1983)

³ Romer

سیاست پولی بر تولید و تورم 38 کشور منتخب (1953-1999) را با استفاده از داده های تابلویی مورد بررسی قرار می دهد. نتایج نشان داد هر چه اقتصاد از درجه بازبودن بالاتری برخوردار باشد، سیاست های پولی انبساطی تولید را کاهش و سطح قیمت ها را افزایش می دهند.¹ ترا (1998) با به کارگیری روش رومر برای 114 کشور ارتباط بین باز بودن تجاری و تورم را بررسی کرده است. وی نشان می دهد که نتایج بدست آمده توسط رومر تنها برای کشورهای با بدهی بالا در دوران بحران بدهی ها صادق است و آن رابطه منفی و معنا دار قوی تنها در این دسته از کشورها مشاهده شده است. ساکسیدا و دیگران² (2003) با استفاده از داده های ترکیبی 152 کشور و به کارگیری روش رومر (1993) به این نتیجه رسیده اند که رابطه منفی و معنا دار بین باز بودن تجاری و تورم وجود دارد. بادلر³ (2003) با استفاده از شیب منحنی فیلیپس⁴، به بررسی اثر باز بودن تجاری بر تورم می پردازد. نتایج وی نشان می دهد که ارتباط بین باز بودن تجاری و تورم در کوتاه مدت بر عکس می باشد. دانلیز و وان هوز⁵ (2004) به بررسی ارتباط بازبودن تجاری، تورم و نسبت درآمد از دست رفته⁶ می پردازد و نشان می دهد که باز بودن تجاری به کاهش در تورم منجر می شود. کوک⁷ (2004) با بکارگیری یک مدل تعادل عمومی⁸ در یک اقتصاد کوچک باز ارتباط بین بازبودن تجاری و تورم را مورد بررسی قرار داده و نشان می دهد که اگر تورم تنها تابعی از تراز حقیقی در نظر گرفته شود، رابطه بین تورم و باز بودن تجاری برعکس است. اما اگر تورم را تابعی از تراز حقیقی و مصرف فرض کنیم، در این صورت این رابطه به تقاضای خارجی نیز بستگی خواهد داشت. آلفارو⁹ (2005) به آزمون نتایج حاصل از آزمون رومر (1993) با استفاده از داده های ترکیبی مربوط به 130 کشور در دوره 1973-1998 می پردازد و نشان می دهد که بازبودن تجاری بر تورم در کوتاه مدت اثری ندارد. زکریا (2010) در ارزیابی تجربی رابطه بین تورم و باز بودن تجاری در پاکستان در سال های (1947-2007) و با بکارگیری روش گشتاورهای تعمیم یافته همبستگی مثبتی بین نرخ تورم و باز بودن تجاری را گزارش کرده است. جعفری صمیمی و همکاران (2012) با استفاده از تکنیک پانل، فرضیه رومر (1993) را برای کشورهای توسعه

¹ Terra

² Sachsida et. al

³ Bowdler

⁴ Phillips curve

⁵ Daneils and Van hoose

⁶ Sacrifice Ratio

⁷ Cooke

⁸ General Equilibrium Model

⁹ Alfaro

یافته و در حال توسعه مورد آزمون قرار داده و نشان دادند که ارتباط مثبت و معنا داری بین نرخ تورم و باز بودن تجاری وجود دارد. کوریهارا (2013) در بررسی روی داده های چند کشور آسیایی و کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی در دهه های 1990 و 2000 و با استفاده از روش گشتاثرهای تعمیم یافته نشان داد که در این کشورها همبستگی مثبت و معنا داری بین تورم و درجه بازبودن تجاری وجود دارد. رعنا، اتابای (2016) به بررسی رابطه بین آزادی تجاری و تورم برای کشور ترکیه از طریق روش حداقل مربعات معمولی چقدر طول دوره 2011-1980، است. نسبت حجم تجارت خارجی (مجموع صادرات و واردات) به تولید ناخالص داخلی و نرخ ارز واقعی به عنوان معیارهای آزادی تجارت همراه با نرخ تورم، مورد استفاده قرار می گیرند. بر طبق نتایج این مطالعه (تحقیق)، مشخص شده است که یک همبستگی منفی بین آزادی تجارت و نرخ تورم برای سال های اختصاص یافته در ترکیه، وجود داشت. تأثیرات بحران و سال های انتخابات در ترکیه نیز مورد آزمایش قرار گرفت و از لحاظ آماری یا یافته های آماری، ناچیز بود

گروه دوم رابطه میان باز بودن تجاری و رشد اقتصادی را بررسی کرده اند. بهمنی اسکویی و نیرومند¹ (۱۹۹۹) در نمونه ای شامل ۵۹ کشور شامل کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه در طول دوره ۱۹۸۱-۱۹۹۲ ارتباط میان رشد اقتصادی و درجه باز بودن تجاری را مورد بررسی قرار داده اند. آنها به این نتیجه رسیده اند که رابطه ای مثبت و معنا دار میان رشد اقتصادی و درجه باز بودن تجاری در این کشورها وجود دارد. لوید و مک لارن² (۲۰۰۰) اثر بازبودن تجاری بر رشد اقتصادی را در کشورهای آسیای شرقی پس از دوران بحران اقتصادی بررسی کرده اند. نتایج آنها نشان میدهد که باز بودن نسبت به تجارت کالاها و خدمات و سرمایه گذاری مستقیم خارجی³ (FDI) اثر مثبتی بر رشد اقتصادی دارد. یانی کایا⁴ (۲۰۰۳) در مطالعه های ارتباط بین باز بودن تجاری و رشد اقتصادی را در نمونه ای شامل هر دو دسته کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه مورد بررسی قرار می دهد. برای این منظور وی دو دسته معیارهای متفاوت باز بودن تجاری را در نظر می گیرد. دسته اول شامل معیارهای متداول مربوط به حجم تجارت است. نتایج نشان میدهد که این معیارها اثر مثبت و معنا داری بر رشد اقتصادی دارد. دسته دیگر از معیارهای باز بودن تجاری بر اساس محدودیت های تجاری تعریف شده و

¹Bahmani- Oskooee and Niroomand

²Loyd and McLaren

³Foreign Direct Investment (FDI)

⁴Yanikkaya

شامل عوارض گمرکی واردات، عوارض بر صادرات و مالیات بر تجارت بین الملل است. نتایج دوباره نشان دهنده ارتباط مثبت بین باز بودن بر اساس معیار دوم با رشد اقتصادی است. یان لی و دیگران¹ (۲۰۰۴) با استفاده از داده های ترکیبی مربوط به ۱۰۰ کشور به بررسی ارتباط بین بین باز بودن تجاری و رشد می پردازند. برای این منظور از پنج معیار باز بودن تجاری استفاده نموده و نشان می دهند که باز بودن تجاری اثر اندک و وضعی بر رشد اقتصادی دارد. جین² (۲۰۰۶) اثرات افزایش در باز بودن تجاری و درجه باز بودن مالی بر روی نرخ رشد محصول و رشد سطح عمومی قیمت ها برای دو کشور ژاپن و کره را مورد بررسی قرار می دهد. برای بررسی اثرات تغییر در درجه باز بودن تجاری بر رشد و تورم، توابع واکنش ضربه ای³ را به کار می برد. در هر دو کشور، کشور، شوکهای باز بودن تجاری اثرات منفی و معنادار بر رشد اقتصادی و تورم در کوتاه مدت دارد. اما هیچ اثری در بلندمدت مشاهده نشده است. معیارهای باز بودن در بازارهای مالی اثرات منفی و معنادار بر رشد اقتصادی و تورم در کره دارند، اما اثرات این معیارها در ژاپن بی معناست. نتایج پژوهش وی نشان میدهد که باز شدن بیشتر اقتصاد می تواند باعث رکود اقتصادی یک کشور در کوتاه مدت شود. وای لی و ژوو⁴ (۲۰۱۰) در یک تخمین نیمه پارامتری تحت عنوان بازبودن اقتصاد، کارایی داخلی و رشد نشان دادند که رشد به درجه باز بودن اقتصاد، کارایی داخلی و سطح توسعه وابسته است. صرفه های اقتصادی با درجه پایین باز بودن اقتصاد، سبب اتخاذ سیاستهای آزادسازی بیشتر و استفاده از پارامترهای مؤثرتری برای رسیدن به کارایی داخلی و به دنبال آن رشد اقتصادی بالاتر می شود. این مطالعه برای ۱۲۲ کشور بین سال های ۱۹۹۸ و ۲۰۰۵ انجام شده و از دو شاخص عوامل باز بودن اقتصاد و عوامل بومی و داخلی استفاده شده است. نتایج بدست آمده از تخمین OLS نشان می دهد که رابطه بین رشد اقتصادی، باز بودن اقتصادی و کارایی داخلی، تحت تاثیر سطح درآمد و دو شاخص معرفی شده است. فنیرا (2015) در مقاله خود با عنوان بازبودن تجارت و رشد در کشورهای در حال توسعه: تحلیل رابطه پس از مقایسه شاخص های تجارت، که با رویکرد تحلیل مقایسه ای شاخص های تجارت برای 82 کشور در حال توسعه طی سال های 1996-2012 و با استفاده از برآورد مدل رشد از روش پانل دیتا انجام شده است، چنین نتیجه می گیرد که آزاد سازی تجارت

¹Yan Lee et. al

²Jin. (2006 a)

³ Impulse Response Functions (IRFs)

⁴Li, K., and Zhou, x.

اثر ضعیفی در بهبود رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه داشته است. رفیق و همکاران (2016) به بررسی آثار نامتقارن شوک های قیمت نفت و تراز خارجی کشورهای عمده صادرکننده و وارد کننده نفت طی دوره 1970-1980 پرداخته است. در مورد 28 کشور صادرکننده نفت، افزایش قیمت نفت منجر به بهبود تراز تجارت نفتی واقعی می شود. اگرچه برای تراز های تجاری غیر نفتی و تراز تجارت کل مفید است. این یافته می تواند به علت اثر مصرف فزاینده بر اثر افزایش درآمد و عایدات از صادرات نفت باشد. کاهش در قیمت نفت برای هردو آیتم تراز های تجاری و تراز های کلی نفت در این کشورهای صادرکننده نفت می تواند مفید باشد. 40 صادرکننده بزرگ نفت، به نظر می رسد که به خوبی از شوک های نفتی مثبت از سال های دهه 1970 و دهه 1980 میلادی بهره برده اند. اگرچه آنها باید از کاهش در قیمت نفت نگران باشند و یک کاهش در قیمت نفت اثر منفی روی هردوی تراز های کلی تجاری و تراز تجارت واقعی نفت که از افزایش در واردات نفت در کشورهای در حال توسعه، حاصل شده است؛ می گذارد. بنابراین کاهش در قیمت نفت برای صادرکننده های نفتی به علت اثر کمی (کمیتی) که بر اثر قیمت ارجح است، مفید است. اگرچه برای واردکنندگان نفت ثبات در قیمت بسیار مطلوب تر است نسبت به کاهش قیمت. یاها کیهو (2017) به بررسی تأثیر آزاد سازی تجاری بر رشد اقتصادی در یونان طی دوره 1965-2014 پرداخته است. نتایج برآورد مدل وجود یک رابطه مثبت بین آزاد سازی تجاری و رشد اقتصادی در کوتاه مدت و بلند مدت وجود دارد.

پژوهش های داخلی

به طور کلی، کارهای انجام شده برای ایران در بیشتر موارد بر روی دو محور رابطه میان باز بودن تجاری و رشد اقتصادی متمرکز شده است. در ادامه، به برخی کارهای انجام شده برای ایران در این زمینه اشاره خواهیم کرد. همان طور که ملاحظه می شود در پژوهش های انجام شده در کشور به ارتباط همزمان میان باز بودن تجاری، رشد اقتصادی و تورم توجه لازم نشده و مورد بررسی قرار نگرفته است که در این پژوهش به این موضوع می پردازیم. زرغامی (۱۳۷۰) به بررسی تأثیر تجارت خارجی بر رشد اقتصادی برای اقتصاد ایران در دوره 1341-1365 می پردازد. یافته های وی نشان می دهد که نرخ رشد اقتصادی بلندمدت در شرایط وجود تجارت خارجی بیشتر از نرخ رشد بدون تجارت خارجی است. جلالی نائینی و محمدی (۱۳۷۵) با به کارگیری داده های ترکیبی در دوره ۱۳۳۸-۱۳۷۱ در کشورهای نفت خیز از جمله ایران، رابطه رشد اقتصادی و تجارت خارجی را مورد بررسی قرار میدهند. نتایج آنها نشان می دهد که صادرات به افزایش رشد اقتصادی در کشورهای نفت خیز

منتهی می شود. اما این اثر در این دسته کشورها نسبت به کشورهای صنعتی کوچکتر است. در ضمن نشان می‌دهند که اعمال محدودیت های وارداتی باعث کاهش رشد می شود. اسلاملوئیان و همکاران (1388) در تحقیقی با عنوان بررسی ”اثر بازبودن تجاری بر متغیرهای کلان در اقتصاد ایران“ طی دوره 1340-1386 پرداختند. نتایج حاصل از توابع واکنش ضربه ای نشان می دهد که در کوتاه مدت افزایش درجه باز بودن تجاری رشد اقتصادی را افزایش داده و تورم را کاهش می دهد. اما تاثیر این افزایش در کوتاه مدت بر روی اشتغال منفی است. همچنین نتایج نشان می دهد که در بلندمدت تغییر ناگهانی به اندازه یک انحراف معیار در متغیر باز بودن تجاری تاییدی به سه متغیر یاد شده ندارد. راستی (1389) در مطالعه ای با استفاده از روش پانل دیتا و حداقل مربعات معمولی به بررسی آثار درجه بازبودن تجاری و مالی بر وضعیت عملکردهای اقتصادی در هر دو بخش واقعی و مالی کشورهای عضو گروه دی هشت طی دوره زمانی (1981-2005) پرداخته است. نتایج تحقیق ایشان نشان داد که درجه بازبودن تجاری دارای اثر مثبت بر توسعه مالی و اثر منفی بر رشد اقتصادی کشورهای عضو گروه دی هشت دارد. عباسپور و همکاران (1391) به بررسی درجه باز بودن اقتصاد و متغیرهای مهم نرخ ارز، تورم وارداتی، رشد نقدینگی و رشد تولید ملی بر نرخ تورم داخلی با استفاده از داده های سری زمانی در دوره 1386-1340 پرداخته است. نتایج نشان می دهد در نرخ های پایین تورم ارتباط معناداری بین تورم و بازبودن تجاری وجود ندارد اما در تورم های بالا رابطه مثبتی بین این دو متغیر وجود دارد و با افزایش درجه باز بودن تجاری تورم نیز افزایش می یابد. مهیار حامی (1393) به بررسی رابطه سببی بین تورم و باز بودن تجاری در اقتصاد ایران با استفاده از داده های سالانه در فاصله سال های (1386-1344) می باشد. نتایج برآورد مدل با استفاده از آزمون همجمعی جوهانسن و الگوی تصحیح خطای برداری نشان می دهد که در طول دوره مشاهده یک رابطه تعادلی بلند مدت میان متغیرها برقرار بوده و تورم اثر مثبت و معناداری بر درجه باز بودن تجاری در ایران داشته است. شجاعی و همکاران (1394) به بررسی رابطه علیت گرنجری میان درجه بازبودن تجاری، درآمدهای نفتی، درآمدهای مالیاتی و رشد اقتصادی طی دوره 1375-1390 در ایران می پردازد. نتایج نشان می دهد که اولاً بر اساس آزمون همجمعی یوهانسون، میان درجه باز بودن تجاری، درآمدهای مالیاتی و رشد اقتصادی رابطه تعادلی بلندمدت وجود ندارد. ثانیاً، بر پایه نتایج آزمون علیت گرنجر، درآمدهای مالیاتی و درجه باز بودن تجاری علیت گرنجر رشد اقتصادی هستند. ثالثاً، درجه باز بودن تجاری، درآمدهای مالیاتی اثر معناداری بر رشد اقتصادی دارند. حیدری دیزگرانی و همکاران (1395) به بررسی رابطه ی سرمایه گذاری مستقیم خارجی، سرمایه انسانی و باز بودن تجاری بر رشد اقتصادی طی دوره 1357-1393 در ایران می پردازد. نتایج حاکی از آن است که اثر سرمایه گذاری مستقیم خارجی، باز بودن تجاری و سرمایه انسانی با یک وقفه بر رشد اقتصادی در بلندمدت

مثبت است. از طرفی اثر سرمایه انسانی و حاصلضرب FDI و سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی در بلند مدت منفی است. جری و همکاران (1397) به تحلیل اثر همزمان بازبودن تجاری و اثرات دانه ای در بانکداری بر رشد اقتصادی ایران پرداخته شده است. برای این منظور از روش گشتاورهای تعمیم یافته برای آزمون فرضیه ها طی سال های (1380-1391) استفاده شده است. نتایج تحقیق بیانگر این است که اثر همزمان بازبودن تجاری و دانه ای در بانکداری اثر منفی و معناداری بر رشد اقتصادی ایران دارند.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر برای بررسی اثر باز بودن تجاری و تلاطم آن بر رشد اقتصادی و تورم در کشورهای صادرکننده و واردکننده نفت خام از دو گروه منتخب شامل دوازده کشور صادرکننده (شامل ایران، عراق، عربستان، امارات متحده عربی، الجزایر، کویت، لیبی، نیجریه، قطر، اکوادور، آنگولا، ونزوئلا) و دوازده کشور واردکننده نفت شامل (مالزی، مصر، مالی، گابن، تونس، توگو، سودان، گینه، اندونزی، پاکستان، مصر، بنگلادش، ترکیه) استفاده خواهد نمود. برای دستیابی به مدل های رشد اقتصادی و تورم به شکل زیر معادله (1) و (2) استفاده خواهد نمود.

همکاران (2016) مدل های رشد اقتصادی و تورم به صورت زیر معرفی می گردد:

[1] مدل

[2] مدل

GDP (رشد اقتصادی)، Inf (تورم)، OPEN (باز بودن تجاری)، VOPEN (تلاطم باز بودن تجاری)، K (سرمایه گذاری)، E (سرمایه انسانی) و ضرائب β ، γ ، θ ، ψ ، λ ، δ منعکس کننده روابط کوتاه مدت و بلند مدت بین متغیرهای رشد اقتصادی و تورم با متغیرهای توضیحی است. ضریب ϵ جزء خطاست و اندیکس i نشان دهنده کشور و اندیکس t نشان دهنده زمان است. همچنین در این مطالعه آمار و اطلاعات باک جهانی برای دوره زمانی 1990-2018 جمع آوری گردیده است. برای برآورد الگوهای مورد نظر و آزمون فرضیات طرح شده، از نرم افزار اقتصادسنجی Eviews7 استفاده شده است

برآورد پژوهش

آزمون ریشه واحد

جهت انجام ریشه واحد و تعیین ساکن پذیری داده ها، از روش استاندارد لوین، لین و چو¹ استفاده شده است. نتایج حاصل از این آزمون در جدول 1 آورده شده است.

جدول 1. نتایج آزمون ریشه واحد لوین، لین و چو

متغیر	آماره آزمون	احتمال	نتیجه آزمون
LGDP	-3/19	*0/0001	ساکن
LOPEN	-4/77	*0/0001	ساکن
LK	-12/97	*0/0001	ساکن
LE	-8/56	*0/0001	ساکن
LINF	-4/05	*0/000	ساکن

منبع : یافته های تحقیق

(* : نشان دهنده ی prob آماره های مورد نظر است)

نتایج جدول 1 نشان می دهد که همه متغیرها در سطح از یک فرآیند ساکن پیروی می کنند. فرضیه ی H_0 ، مبنی بر وجود ریشه ی واحد، پذیرفته نشده است، چرا که مقدار آماره محاسباتی، از لحاظ قدر مطلق اعداد، از مقدار آماره سطح معنی داری بزرگ تر است.

بررسی و برآورد تلاطم درجه باز بودن تجاری

برای محاسبه تلاطم درجه باز بودن تجاری با توجه به الگوی واریانس ناهمسانی شرطی اتورگرسیو تعمیم یافته²، ابتدا باید یک معادله رفتاری مناسب برای متغیر درجه باز بودن تجاری معرفی شود. برای معرفی معادله مناسب برای بیان رفتار درجه باز بودن تجاری از مدل های خودتوضیح، میانگین متحرک³ با مرتبه های مختلف مورد بررسی قرار می گیرد. در مرحله بعد بایستی وجود ناهمسانی واریانس در بین جملات اخلاص مورد تایید قرار گیرد. بدین منظور از آزمون ARCH LM استفاده می شود. در این حالت تلاطم درجه باز بودن تجاری استخراج می شود و به عنوان یک متغیر موثر بر رشد اقتصادی و تورم وارد مدل ها می شود.

برآورد الگوی ARIMA

برای برآورد تلاطم درجه باز بودن تجاری ابتدا بایستی بهترین الگوی $ARIMA(p,d,q)$ انتخاب شود. بدین منظور با در نظر گرفتن نتایج حاصل از

¹Levin, Lin & Chui(2002)

²GARCH

³ARIMA

بررسی نمودار کرولوگرام نشان داده می‌شود که $p=1$ و $q=4$ خواهد بود. همچنین با توجه به اینکه متغیر درجه باز بودن تجاری در سطح ساکن نیست اما با یک بار تفاضل‌گیری ساکن می‌شود؛ بنابراین $d=1$ است.

با استفاده از p حاصله به عنوان وقفه درجه باز بودن تجاری و q بعنوان وقفه جملات اخلاص مدل ARIMA زیر را مورد برآورد قرار می‌دهیم :

$$EX_t = \alpha + \beta EX_{t-1} + \sum_{i=1}^4 \gamma_i \varepsilon_{t-i}$$

جدول 2. تخمین الگوی ARIMA

مقدار احتمال	آماره t	انحراف معیار	ضریب	متغیر
0/0001	8/00	2/94	23/54	C
0/0021	-3/16	0/0888	-0/280	AR(1)
0/5364	-0/620	0/364	-0/226	MA(1)
0/0027	3/088	0/103	0/319	MA(2)
0/0139	2/54	0/117	0/297	MA(3)
0/2223	1/232	0/363	0/448	MA(4)

منبع: یافته‌های تحقیق

بر اساس نتایج جدول 2 ضرایبی که از نظر آماری نسبت به بقیه متغیرها کمتر معنی‌دار هستند، براساس روش‌شناسی باکس جنکینز حذف می‌شود و مدل مجدداً تخمین زده می‌شود، این روند اینقدر تکرار می‌شود تا تمام متغیرهای مدل از نظر آماری معنادار باشند (باکس و جنکینز¹، 1970).

جدول 3. روش باکس جنکینز

مقدار احتمال	آماره t	انحراف معیار	ضریب	متغیر
0/0021	-3/16	0/0888	-0/280	AR(1)
0/0027	3/088	0/103	0/319	MA(2)
0/0139	2/54	0/117	0/297	MA(3)

منبع: یافته‌های تحقیق

همان‌گونه که نتایج جدول 3 نشان می‌دهد تمامی متغیرها از نظر آماری معنی‌دار هستند. همچنین با توجه به اینکه جملات خطا نیز ساکن بودن؛ بنابراین این تخمین می‌تواند نشان دهنده ARIMA بهینه باشد.

¹Box & Jenkins

برآورد تلاطم با استفاده از مدل GARCH(p,q)

باید واریانس در طول روند تصادفی سری داده مورد نظر ثابت نبوده و تابعی از رفتار جملات خطا باشد. مدل‌های خانواده آرچ (ARCH) می‌توانند روند واریانس شرطی را با توجه به اطلاعات گذشته خود توضیح دهند و برای داده‌هایی که دارای نوسان هستند و واریانس آنها در طول زمان تغییر می‌کند به کار می‌رود.

اما باید به این نکته توجه داشت که تنها زمانی می‌توان با استفاده از روش‌های GARCH تلاطم درجه باز بودن تجاری را تخمین زد که وجود ناهمسانی شرطی توسط آزمون اثر ARCH مورد تأیید قرار گیرد. بنابراین در این بخش آزمون ناهمسانی شرطی جملات اخلا با استفاده از آزمون LM-ARCH مورد بررسی قرار می‌گیرد:

جدول 4. نتایج آزمون ناهمسانی واریانس

مقدار احتمال	کمیت آماری	آماره آزمون
0/003	8/09	آماره F
0/001	9/17	$R^2 \times$ تعداد مشاهدات

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج جدول 4 نشان می‌دهد آماره F و ضریب تعیین در سطح 5 درصد معنی دار هستند. بنابراین، فرضیه همسانی واریانس جملات اخلا در سطح 5 درصد رد می‌شود. به عبارتی واریانس ناهمسانی برای درجه باز بودن تجاری وجود دارد. بنابراین تلاطم باز بودن تجاری قابل تخمین خواهد بود.

انتخاب p و q بهینه در یک فرآیند GARCH(p,q)

برای انتخاب p و q بهینه در فرآیند GARCH(p,q) معیارهای متفاوتی وجود دارد که در این مطالعه از معیارهای شوارتز (SC) و آکائیک (AIC) استفاده شده است:

جدول 5. انتخاب p و q بهینه در فرآیند GARCH(p,q)

درجه EGARCH معیار	(1و0)	(0و1)	(1و1)	(1و2)	(2و1)	(2و2)
شوارتز	18.21	19.85	*17.43	18.03	18.87	19.22
آکائیک	/94 15	17/59	*14/94	19/34	16/78	18/71

منبع: یافته‌های تحقیق

بر اساس ارقام مندرج در جدول 5، کمترین مقدار در هر یک از معیارها، نشانگر وقفه بهینه می‌باشد که معیارهای شوارتز و آکائیک وقفه یک را به عنوان وقفه ی بهینه نشان می‌دهند. در نتیجه وقفه ی بهینه در این الگو، یک وقفه انتخاب می‌گردد. با توجه به نتایج جدول 5 و با در نظر گرفتن وقفه ی بهینه به عنوان معیار برآورد تلاطم باز بودن تجاری، مدل برآوردی تلاطم باز بودن تجاری که به صورت زیر می‌باشد تخمین زده می‌شود.

$$GARCH = C(5) + C(6)RESID(-1) + C(7)GARCH(-1)$$

جدول 6. برآورد ضرایب مدل GARCH(1,1)

احتمال	آماره t	انحراف معیار	ضریب	مدل GARCH(1,1)
.013	2/83	.06	.17	C(5)
.002	4/57	.07	.64	C(6)
.001	3/28	.14	.23	C(7)

منبع : یافته های تحقیق

همانطور که نتایج جدول 6 نشان می‌دهد، تمامی ضرایب برآوردی مدل در سطح 5 درصد از نظر آماری معنی‌دار هستند. پس از برآورد تلاطم بازبودن تجاری، باید عدم وجود نوسانات در جملات اخلاص تخمین GARCH(1,1) را آزمون کرد. برای این منظور با استفاده از آزمون LM-ARCH، واریانس ناهمسانی جمله اختلاص را مورد آزمون قرار می‌گیرد. جدول 7 نتایج آزمون ناهمسانی واریانس جمله اخلاص را نشان می‌دهد.

جدول 7. نتایج آزمون ناهمسانی واریانس

آماره آزمون	کمیت آماری	مقدار احتمال
آماره F	.214801	.51
$R^2 \times$ تعداد مشاهدات	.201014	.2311

منبع : یافته های تحقیق

نتایج جدول 7 نشان می‌دهد که فرضیه صفر آزمون LM که بیانگر عدم وجود ناهمسانی واریانس است را نمی‌توان رد کرد، بنابراین جملات اخلاص مدل برآوردی حاصل از تلاطم درجه بازبودن تجاری مشکل ناهمسانی واریانس ندارد و به عنوان تلاطم درجه باز بودن تجاری در تخمین مدل استفاده کرد.

آزمون نیکویی برآزش

برای این منظور، بعد از تخمین مدل، بر روی جزء اخلاص معادله، آزمون نرمال بودن انجام گرفت. نرمال بودن جملات تصادفی با استفاده از آزمون نرمال ژاک-برا¹ انجام شده است.

برای توزیع نرمال مقدار چولگی به سمت صفر و مقدار کشیدگی، به سمت عدد 3 میل می کند. اگر مقدار احتمال محاسبه شده آماره ژاک-برا به اندازه کافی پایین باشد (کمتر از 5 درصد)، فرضیه صفر، یعنی نرمال بودن توزیع جملات تصادفی را، می توان رد کرد. ولی اگر مقدار احتمال به طور معناداری بالا باشد، فرضیه نرمال بودن را می توان پذیرفت. نتایج حاصل از آزمون در جدول 8 آمده است:

جدول 8. آزمون خوبی برآزش

تخمین مدل های ARCH

نوع آماره	نرخ رشد اقتصادی	نرخ تورم
چولگی	. /1702	. /0347
کشیدگی	3/1359	. /5750
آماره ژاک-برا	. /7169	1/7333
مقدار احتمال* Prob	(. /6987) *	(. /4203) *

منبع: یافته های تحقیق

همان طور که دیده می شود فرضیه H_0 مبنی بر نرمال بودن جزء اخلاص، پذیرفته می شود (مقدار Prob به دست آمده از انجام این آزمون بیشتر از سطح اطمینان 5 درصد می باشد). قبل از تخمین سری ها و استفاده از مدل های ARCH و GARCH، دیده شد که جزء اخلاص از یک فرآیند ARCH پیروی می کنند (وجود واریانس ناهمسانی در جزء اخلاص)، که این نشان دهنده ی عدم نرمال بودن جزء اخلاص سری نرخ تورم و رشد اقتصادی می باشد، در حالی که بعد از تخمین مدل، این مشکل برطرف شد، که این نشان دهنده ی خوبی برآزش مقدار ARCH و GARCH سری ها می باشد.

آزمون تشخیص مدل

پیش از تخمین مدل با استفاده از داده های ترکیبی، باید در مورد روش مناسب به کارگیری این گونه داده ها در تخمین، تصمیم گیری نمود. ابتدا باید مشخص شود که اصولاً نیازی به در نظر گرفتن ساختار پانل داده ها وجود دارد یا اینکه می توان داده های مربوط به شرکت های مختلف را ادغام (Pooling) کرد و از آن در تخمین مدل استفاده نمود. در تخمین های تک معادله ای، برای اخذ تصمیم اخیر از آماره آزمون F (لیمر) استفاده می شود. بر اساس نتایج این آزمون، درباره رد یا پذیرش فرضیه برابری آثار ثابت خاص شرکت ها و در نهایت درباره انتخاب روش کلاسیک یا روش داده های پانل تصمیم گیری می شود. اگر احتمال آزمون F لیمر کوچکتر از پنج درصد باشد، از داده های تابلویی و در غیر این صورت از داده

¹Jarque-Bera

های تلفیقی استفاده خواهد شد. جدول 9 نتایج آزمون F لیمر را نشان می دهد.

جدول 9. نتایج حاصل از آزمون F لیمر

جدول 9. نتایج آزمون تشخیصی لیمر		الگو
لیمر F آزمون	آماره	
نتیجه آزمون رد فرضیه صفر و قبول داده های پانل	۳۹۲/۶۸ (۰/۰۰۷)	مدل (1) برای کشورهای صادرکننده نفت
رد فرضیه صفر و قبول داده های پانل	291/65 (0/001)	مدل (1) برای کشورهای واردکننده نفت
رد فرضیه صفر و قبول داده های پانل	۴۸۳/۶۵ (۰/۰)	مدل (2) برای کشورهای صادرکننده نفت
رد فرضیه صفر و قبول داده های پانل	119/08 (0/031)	مدل (2) برای کشورهای واردکننده نفت
یادداشت: - حداقل سطح معناداری (P-Value) داخل پرانتز آمده است.		

منبع: یافته های تحقیق

نتایج حاکی از این است که سطح معناداری آزمون F لیمر جهت تعیین معناداری اثرات مقطعی در مدل رگرسیونی تحقیق برای تمامی مدلها کوچکتر از 0/05 به دست آمده، فرضیه صفر این آزمون مبنی بر عدم معناداری اثرات مقطعی در مدل تحقیق رد گردیده و می توان پذیرفت که مدل رگرسیونی این بخش باید به روش داده های تابلویی تخمین زده شود. سطح معناداری آزمون هاسمن در جهت تعیین ثابت و یا تصادفی بودن اثرات مقطعی در فرضیه اول و فرضیه دوم مدل کوچکتر از پنج درصد است که نشان از تائید فرضیه صفر در این آزمون، مبنی بر ثابت بودن اثرات مقطعی مدل ها می باشد.

آزمون تشخیص اثرات تثبیت شده و اثرات تصادفی در تخمین الگوی

پانل

این آزمون که به منظور انتخاب میان اثرات تثبیت شده و اثرات تصادفی استفاده می شود، به آزمون هاسمن معروف است. در این جا به دو نکته مهم درباره اثرات ثابت یا تصادفی اشاره می شود، اول اینکه تمام افراد یا مقاطع در پانل همگن هستند، در این صورت لازم نیست نگران عرض از مبدا های مختلف برای هر فرد یا مقطع باشیم. در حقیقت رویکرد پانل دیتا به خوبی می تواند ناهمگنی میان افراد را نشان دهد. این نکته یکی از مزایای مدل های پانل نسبت به مدل های مقطعی یا سری زمانی است. دوم اینکه، عرض از مبدا ها را جمله ای ثابت و مخصوص هر فرد یا مقطع در مدل رگرسیونی فرض می کند. مدل اثر تصادفی فرض می کند عرض از مبدا جمله ای تصادفی برای هر گروه است. اما در هر دوره زمانی، از این توزیع تصادفی فقط یک رخداد، به طور یکسان در هر دوره در مدل رگرسیونی وارد می شوند. به عبارت دیگر، برای کل دوره زمانی، برای هر فرد، فقط یک از عرض از مبدا داریم. برای گزینش بیت اثرات ثابت و تصادفی از آزمون هاسمن استفاده شده است که نتایج حاصل از آن در جدول 10 آورده شده است. آماره آزمون هاسمن برای تمام متغیرها معنادار شده و حاکی از رد فرضیه صفر (وجود اثرات تصادفی) و قبول فرضیه وجود اثرات ثابت است.

جدول 10. نتایج حاصل از

آزمون هاسمن

هاسمن		آزمون		الگو
نتیجه نهایی	نتیجه آزمون	آماره		
اثر ثابت	رد فرضیه صفر و قبول اثرات ثابت	12/50 (0/01)	مدل (1) برای کشورهای صادر کننده نفت	
اثر ثابت	رد فرضیه صفر و قبول اثرات ثابت	12/37 (0/02)	مدل (1) برای کشورهای وارد کننده نفت	
اثر ثابت	رد فرضیه صفر و قبول اثرات ثابت	10/09 (0/03)	مدل (2) برای کشورهای صادرکننده نفت	
اثر ثابت	رد فرضیه صفر و قبول اثرات ثابت	13/33 (0/01)	مدل (2) برای کشورهای وارد کننده نفت	

یادداشت:

- حداقل سطح معناداری (P-Value) داخل پرانتز آمده است.

منبع: یافته های تحقیق

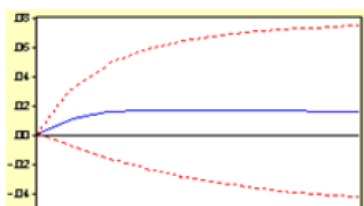
با توجه به اینکه Prob کمتر از $05/0$ بوده فرضیه ی H_0 رد می شود، مدل اثر ثابت با اطمینان 95 درصد پذیرفته می شود. بنابراین نتیجه آزمون هاسمن تخمین به روش اثرات ثابت را برای این معادله ها تأیید می کند.

توابع عکس العمل تحریک¹

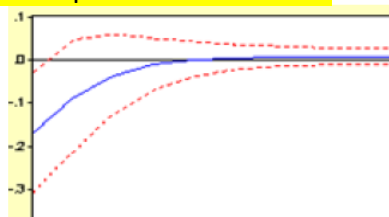
به کمک تابع عکس العمل تحریک، اثر یک انحراف معیار شوک متغیر را روی متغیرهای دیگر در افق های زمانی مختلف تحلیل می نمائیم. نتایج حاصل از توابع عکس العمل تحریک که در نمودارهای 1 و 2 آمده، به صورت زیر است.

همانطور که از نمودار 1 پیداست، تلاطم باز بودن تجاری اثر مثبت بر رشد اقتصادی دارد. نمودار 2 واکنش نرخ تورم نسبت به تلاطم باز بودن تجاری را نشان می دهد. در ابتدا یک تلاطم باز بودن تجاری به اندازه یک انحراف معیار اثر مثبت و قابل توجهی بر تورم دارد.

Response of LGDP to LOP



Response of LIN to LOP



نمودار 2. عکس العمل نرخ تورم

نمودار 2. عکس العمل رشد اقتصادی

برآورد مدل

¹ Impulse Response Function

بعد از انجام آزمون های F لیمر ، هاسمن و انتخاب مدل اثرات ثابت به برآورد مدل می پردازیم که نتایج حاصل از آن در جداول (11-14) آمده است.

برآورد مدل (1) برای کشورهای صادر کننده نفت

نتایج حاصل از آزمون معنادار بودن معادله رگرسیون بیانگر این است که با توجه به مقدار و سطح معناداری آماره F بدست آمده، فرضیه H_0 که همان عدم معنادار بودن مدل (صفر بودن تمام ضرائب) است، رد می شود و می توان نتیجه گرفت که مدل معنادار می باشد. ضریب تعیین مهمترین معیاری است که با آن می توان رابطه بین دو متغیر X و Y را توضیح داد. ضریب تعیین در این مدل برابر 0/89 می باشد که بیانگر این است که 89 درصد از تغییرات متغیر وابسته به وسیله سایر متغیرها توضیح داده شده است. ضریب تعیین تعدیل شده برابر 0/87 می باشد. معنادار شدن آماره فیشر (F) بیانگر قدرت بالای توضیح دهندگی مدل های پژوهش می باشد. یکی از فروض کلاسیک مبنی بر برآورد از طریق OLS ارتباط نداشتن پسماندها در دوره های مختلف زمانی است که به این موضوع عدم خودهمبستگی می گویند. در صورت وجود خود همبستگی با مشکلاتی مانند واقعی نبودن آماره های t و F مواجه خواهیم شد. یکی از آزمون های مشهور برای تشخیص خودهمبستگی، آزمون دوربین واتسون است. طبق این آزمون اگر مقدار آن به 2 نزدیک باشد، مشکل همبستگی وجود نخواهد داشت. از آنجایی که آماره دوربین واتسون به 2 نزدیک است، بنابراین مدل ها خود همبستگی ندارد و نتایج حاصل از مدل قابل اعتماد است.

جدول 11. برآورد مدل (1) برای کشورهای صادر کننده نفت

متغیر	ضرایب	انحراف معیار	آماره t	$p > z $
VOPEN	0/41	0/02	2/05	0/031
OPEN	0/81	0/21	3/85	0/017
K	1/06	0/61	2/62	0/002
E	0/79	0/31	2/54	0/001
$R^2=0/89$				
$F=392/68 (0/00)$				

DW=1/87

منبع: یافته های تحقیق
تلاطم باز بودن تجاری تأثیری مثبت بر رشد اقتصادی در کشورهای صادر کننده نفت دارد. به عبارت دیگر، تلاطم بازبودن تجاری باعث بالا بردن بازدهی شرکتهای داخلی از طریق رقابت بیشتر و تخصیص منابع در کشورهای صادر کننده نفت می گردد. باز بودن تجاری باعث افزایش واردات کالاهای واسطه ای و سرمایه ای می گردد که باعث رشد سرمایه گذاری، رشد تولید کل و تأثیری مثبت بر رشد اقتصادی در کشورهای صادر کننده دارد. سرمایه انسانی باعث افزایش نیروی کار باسواد و افزایش رشد و بهره وری می گردد که منجر به افزایش تولید کل و افزایش رشد اقتصادی خواهد شد. افزایش سرمایه گذاری باعث افزایش امکانات زیر بنایی و افزایش ظرفیت تولیدی می گردد که به دنبال آن تولید ملی افزایش یافته و تأثیری مثبت بر رشد اقتصادی در کشورهای صادر کننده نفت دارد.

جدول 12. برآورد مدل (2) برای کشورهای صادر کننده نفت

متغیر	ضرایب	انحراف معیار	آماره t	$p > z $
VOPEN	0/65	0/22	2/95	0/001
OPEN	0/96	0/41	2/34	0/010
K	-0/78	0/21	-3/71	0/014
E	-0/91	0/33	-2/75	0/002
$R^2=0/68$				
$F=217/07 (0/001)$				
$DW=1/96$				

منبع: یافته های تحقیق

تلاطم باز بودن تجاری تأثیری مثبت بر تورم در کشورهای صادر کننده نفت دارد. به عبارت دیگر، تلاطم باز بودن تجاری بر قیمت های نسبی از طریق تغییر قیمت نسبی کالاهای وارداتی تأثیر می گذارد. برای توجیه این اثر گذاری می توان به این نکته اشاره کرد که وجود برخی هزینه ها، باعث می شود قیمت های نسبی به شوک های ایجاد شده واکنش صحیح نشان ندهند که این امر سبب ایجاد عدم تقارن در توزیع قیمت های نسبی می شود. نبود تقارن در توزیع قیمت های نسبی بر سطح عمومی قیمت ها اثر گذاشته و سبب انتقال منحنی عرضه کل به چپ و سبب افزایش قیمت ها می گردد. باز بودن تجاری باعث افزایش صادرات و کاهش عرضه کالا در داخل می گردد که رشد قیمت ها و رشد نرخ تورم را در کشورهای صادر کننده نفت در پی خواهد داشت. افزایش سرمایه انسانی (شاغلین باسواد) باعث افزایش رشد و بهره وری خواهد شد و در نهایت باعث کاهش تورم در کشورهای صادر کننده نفت خواهد شد. افزایش سرمایه گذاری باعث افزایش امکانات زیر بنایی و افزایش ظرفیت تولید می گردد که به دنبال آن تولید ملی و رشد اقتصادی افزایش یافته و منجر به کاهش نرخ تورم در کشورهای صادر کننده نفت می گردد.

برآورد مدل (1) و (2) برای کشورهای وارد کننده نفت
جدول 13. برآورد مدل (1) برای کشورهای وارد کننده نفت

متغیر	ضرایب	انحراف معیار	آماره t	$p > z $
VOPEN	-0/251	0/111	-2/26	0/005
OPEN	0/031	0/009	3/44	0/010
K	1/26	0/56	2/25	0/018
E	0/82	0/33	2/48	0/001
$R^2=0/73$				
$F=(0/03) 401/25$				
$DW=1/96$				

منبع: یافته های تحقیق

نتایج نشان می دهد که تلاطم باز بودن تجاری تاثیری منفی بر رشد اقتصادی در کشورهای واردکننده نفت دارد. به عبارت دیگر، تلاطم باز بودن تجاری باعث افزایش واردات کالای مصرفی می شود که کاهش تولید کل و رشد اقتصادی را در کشورهای وارد کننده نفت در پی خواهد داشت. باز بودن تجاری باعث افزایش واردات کالای سرمایه ای می گردد و سپس به دنبال آن تولید کل و رشد اقتصادی در کشورهای وارد کننده نفت افزایش می یابد. سرمایه گذاری در منابع انسانی، توان تولید را افزایش می دهد و انتظار می رود که رشد اقتصادی با شتاب بیشتری در کشورهای وارد کننده نفت رشد یابد. نتایج نشان می دهد سرمایه گذاری تاثیری مثبت بر رشد اقتصادی در کشورهای وارد کننده نفت دارد. افزایش سرمایه گذاری باعث بهبود فضای کسب و کار می شود و همچنین فرصت های شغلی نیز شکوفا می شود و به تبع آن شاهد آرامش اجتماعی هر چه بیشتر و جلوگیری از بروز معضلات ناهنجاری های اجتماعی در کشورهای وارد کننده نفت خواهیم بود.

جدول 14. برآورد مدل (2) برای کشورهای وارد کننده نفت

متغیر	ضرایب	انحراف معیار	آماره t	$p > z $
VOPEN	0/37	0/11	3/36	0/002
OPEN	-0/74	0/19	-3/36	0/001

0/016	-5/30	0/13	-0/69	K
0/007	-2/57	0/21	-0/54	E
$R^2=0/62$				
$F=(0/03) 104/65$				
$DW=1/91$				

منبع: یافته های تحقیق

نتایج نشان می دهد که تلاطم باز بودن تجاری تأثیری مثبت بر تورم در کشورهای وارد کننده نفت دارد. به عبارت دیگر، بروز نوسان در سطح تولیدات داخلی باعث انتقال منحنی عرضه به سمت بالا گردیده و موجب وارد شدن شوک بر سطح عمومی قیمت ها و در نهایت تسهیل آزاد سازی تجاری می گردد. نتایج نشان می دهد که باز بودن تجاری از طریق افزایش کارایی در تولید، تخصیص بهتر منابع، استفاده بهتر از ظرفیت ها و افزایش جذب سرمایه گذاری های خارجی در کشورهای وارد کننده نفت موجب کاهش نرخ تورم می شود. افزایش سرمایه انسانی (شاغلین باسواد) باعث افزایش رشد و بهره وری خواهد شد و در نهایت باعث کاهش تورم در کشورهای وارد کننده نفت خواهد شد. افزایش سرمایه گذاری باعث افزایش امکانات زیر بنایی و افزایش ظرفیت تولید می گردد که به دنبال آن تولید ملی و رشد اقتصادی افزایش یافته و منجر به کاهش نرخ تورم در کشورهای وارد کننده نفت می گردد.

نتیجه گیری

با توجه به اهمیت افزایش رشد اقتصادی و کاهش تورم به عنوان اهداف کلان اقتصادی در جوامع امروز، در پژوهش های بسیاری به تعیین عوامل موثر بر این متغیرها پرداخته شده است. یکی از این عوامل، درجه باز بودن تجاری است. در این پژوهش، با استفاده از مدل های واریانس ناهمسانی شرطی خودرگرسیون، تلاطم باز بودن تجاری محاسبه گردید و با وارد کردن مقادیر برآورد شده در معادلات مورد نظر، به تحلیل اقتصادسنجی تأثیر باز بودن تجاری و تلاطم باز بودن تجاری بر رشد اقتصادی و تورم در کشورهای عضو کنفرانس اسلامی طی دوره 1990-2018 با استفاده از رویکرد پانل پرداخته شد. نتایج بدست آمده به شرح زیر است:

نتایج نشان می دهد که باز بودن تجاری و تلاطم آن تأثیری مثبت بر رشد اقتصادی و تورم در کشورهای صادر کننده نفت دارد. این نتیجه با مطالعات لوید و مک لارن¹، زکریا²، کوریهارا³، کاراس⁴ همخوانی دارد. همچنین نتایج حاصل از آزمون ها و برآورد الگوها نشان می دهد در کشورهای وارد کننده نفت، باز بودن تجاری اثر مثبت و تلاطم آن اثری

¹Loyd and McLaren

²Zakaria

³Kurihara

⁴Karras

⁵Bahmani-Oskooee and Niroomand

⁶Jin

⁷Romer

⁸Terra

منفی بر رشد اقتصادی دارد. این نتیجه با مطالعات بهمنی اسکویی و نیرومندی⁵ و جین⁶ همخوانی دارد. علاوه بر آن نتایج حاصل از برآورد مدل ها نشان می دهد باز بودن تجاری اثری منفی و تلاطم آن اثری مثبت بر تورم کشورهای وارد کننده نفت طی دوره مورد مطالعه دارد. این نتیجه با مطالعات رومر⁷، ترا⁸، حامی⁹ و جعفری صمیمی و همکاران¹⁰ همخوانی دارد. سایر نتایج تحقیق نشانگر اثر مثبت سرمایه انسانی و سرمایه گذاری بر رشد اقتصادی و اثر منفی بر تورم در کشورهای صادر کننده و وارد کننده نفت دارد.

منابع

ضرغامی، مصطفی (۱۳۷۰). مقایسه نرخ رشد بلندمدت در دو ساختار مبتنی بر تجارت خارجی و بدون تجارت خارجی. پایان نامه کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

جلالی نائینی، احمد رضا و محمدی، محمد. (۱۳۷۵). صادرات و رشد اقتصادی مجله پژوهشنامه بازرگانی، شماره 1، صص 38-70.

اسلاملوئیان، کریم و همکاران (1388) "بررسی اثر باز بودن تجاری بر روی متغیرهای کلان در اقتصاد ایران"، فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران، تابستان 1389، شماره 43، صص 21-1.

طیبه، سید کمیل و همکاران (1388) "تاثیر تجارت خارجی و سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی کشورهای عضو کنفرانس اسلامی" نشریه تحقیقات اقتصادی، شماره 85، صص 244-264.

راستی (1389) " بررسی آثار درجه باز بودن تجاری و مالی بر وضعیت عملکردهای اقتصادی در هر دو بخش واقعی و مالی کشورهای عضو گروه دی هشت با استفاده از روش پانل دیتا و حداقل مربعات معمولی "، مجله مدل سازی اقتصادی، بهار 89، دوره 4، شماره 1، صص 161-170.

مهیار حامی (1393) "بررسی رابطه سببی بین تورم و باز بودن تجاری در اقتصاد ایران" مجله اقتصادی، شماره 5 و 6، مرداد و شهریور 93، صص 77-84.

شجاعی، عطیه و همکاران (1394) "بررسی رابطه علیت گرنجری میان درجه باز بودن تجاری، درآمد های نفتی و درآمدهای مالیاتی و رشد اقتصادی در ایران"، دومین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری، کوالالامپور_مالزی، موسسه سرآمد کارین.

حیدری دیز گرانی، علی، مریم، نفیسی مقدم (1395) "بررسی اثر سرمایه گذاری مستقیم خارجی، سرمایه انسانی و درجه باز بودن تجاری بر رشد اقتصادی در ایران"، دهمین کنگره پیشگامان پیشرفت، تهران مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.

Ades, A., Glaeser, E.L. (1999); "Evidence on Growth, Increasing Returns and the Extent of the Market", Quarterly Journal of Economics, 114(3): 1025- 1046.

Alesina, A., Spolaore, E., Wacziarg, R. (2000); "Economic Integration and Political Disintegration", *American Economic Review*, 90 (5): 1276-1296.

Alfaro, L. (2005). Inflation, Openness and Exchange Rate Regimes. The Quest for Short Term Commitment. *Journal of Development Economics*, No. 77, pp. 229-249.

Appleyard, D. R. and A. J. Field. (1995). *International Economy: Trade Theory and Policy*. Library of Congress: USA.

Aron, J. & J. Muellbauer (2007), "Inflation Dynamics and Trade Openness: with an Application to South Africa", *Economics Series Working Papers WPS/2007-11*,

University of Oxford, Department of Economics, PP. 1-41.

Atabay, R. (2016). "The Relationship between Trade Openness and Inflation in Turkey." *International Journal of Research in Business & Social Science*, Vol. 5, No. 3, PP. 137-145.

Bahmani-Oskooee, M. and F. Niroomand (1999). Openness and Economic Growth: An Empirical Investigation. *Applied Economic Letters*, Vol. 6, No. 3, pp. 557-561.

Barro, R., Lee, J. W. (2000); "International Data on Educational Attainment", CID working Paper, No. 42.

Barro, R. J., and Gordon, D. B. (1983). A Positive Theory of Monetary Policy in a Natural Rate Model. *Journal of Political Economy*, Vol. 91, No. 4, pp. 589-610.

Bowdler, C. (2003). *Openness and the Output Inflation Trade Off*. University of Oxford.

Box, G. E. P and G. M. Jenkins (1970) *Time series analysis: Forecasting and control*; San Francisco, CA, Holden-Day Pub. Co.

Clemence, M. A., Williamson, J. (2001a); "Tariff Growth Paradox? Protection s

Impact the World Around 1857 – 1997", NBER Working Paper, No. 8459

Cooke, D. (2004). Openness and Inflation. www.eurojournals.com/ejefas8.pdf.

Copook, J. D. (1962). *International Economic Instability*. New York: McGraw-Hill.

Daniels, J. and D. D. Vanhoose (2004). Openness, The Sacrifice Ratio and Inflation: Is There a Puzzle?

Evans, R. W. (2007), "Is Openness Inflationary? Imperfect Competition and Monetary Market Power", Working Paper, Vol. 1, No. 2007, Federal Reserve Bank of Dallas.

Fenira, Mohamed (2015); "Trade Openness and Growth in Developing Countries: An Analysis of the Relationship after Comparing Trade Indicators", *Asian Economic and Financial Review*, no. 5(3); pp. 468-482.

Fisher, Stanley, (1993), "The Role of Macroeconomic Factor in Growth", *Journal of Monetary Economics*, Vol. 32, PP. 485-516.

Friedman, M. (1977), "Inflation and Unemployment", *Journal of Political Economy*, Vol. 85, No. 3, PP. 451-472.

Grossman, G. M., Helpman, E. (1991); *Innovation and Growth in the Global Economy*, Cambridge: MIT Press.

Hanif, M. N., & I. Batool (2006), "Openness and Inflation: A Case Study of Pakistan", MPRA Paper, No. 10214, PP. 1-8.

Irwin, D. A. (2000a); "Did Import Substitution Promote Growth in the Late Nineteenth Century?", NBER Working Paper, No. 8571.

Irwin, D. A. (2000b); "Interpreting the Tariff Growth Correlation of the Late Nineteenth Century", NBER Working Paper, No. 9739.

Jafari Samimi, A. & et al. (2012), "Openness and Inflation: New Empirical Panel Data Evidence", *Economics Letters*, Vol. 117, Issue 3, PP. 573-577.

- Jin, C. J. (2006 a). Can Openness be an Engine of Sustained High Growth Rates and Inflation? Evidence from Japan and Korea. *International Review of Economics and Finance*, No. 15, pp.228-240.
- Jin, C. J. (2006 b). Openness, Growth, and Inflation: Evidence from South Korea Before the Economic Crisis. *Journal of Asian Economics*, No.17, pp. 738-757.
- Jin, J. (2000), "Openness and Growth: an Interpretation of Empirical Evidence from East Asian Countries", *Journal of International Trade and Economic Development*, Vol. 9, PP. 5-17.
- Karras, G. (1999). Openness and the effect of monetary policy. *Journal of International Money AND Finance*, 18(1), 13-26.
- Keho, Y. (2017). "The Impact of Trade Openness on Economic Growth :The Case of Cote d'Ivoire". *Cogent Economic & Finance* .Vol 5.PP.1-14.
- Koopmans, T.C. (1995); On the Concept of Optimal Economic Growth. In *the Econometric Approach to Development Planning*. Amsterdam, North Holland.
- Krugman, P. (1994); "The Myth of Asia's Miracle", *Foreign affairs*, 73:62- 78.
- Kurihara, Y. (2013), "International Trade Openness and Inflation in Asia", *Research in World Economy*, Vol. 4, No. 1, PP. 70-75.
- Lane, P. R. (1997), "Inflation in Open Economies", *Journal of International Economics*, Vol. 42, PP. 327-347.
- Li, K., and Zhou, X. (2010). "Openness Domestic performance and Growth". *Economics Letters*, No.107.pp.43-52 .
- Lloyd, P. J. and D. McLaren (2000). Openness and Growth in East Asia Crisis. *Journal of Asian Economics*, pp. 89-105.
- Lucas, R. (1973) Some International Evidence on Output- Inflation Trade Offs, *The American Economic-Review* , Vol.63,NO.3,PP.326-334 .
- Lucas, R. (1988). On The Mechanics of Economic Development. *Journal of Monetary Economics*, Vol. 22, pp. 3-42.
- Mankiw, N.G., Romer, D., Weil, D.N. (1992); "A Contribution to the Empirics of Economic Growth", *Quarterly Journal of Economics*, 107(2):407- 437.
- Okun, A. M. (1981), "Prices and Quantities: a Macroeconomic Analysis", The Brookings Institution, Washington, D.C.
- Rafiq, S. and Apergis (2016), "Asymmetric oil shocks and External Balances of Major oil Exporting and Importing countries", *Energy Economics* No56, pp 42-50.
- Rodrik, D. (1998); "Why Do More Open Countries Have Larger Governments?", *Journal of Political Economy*, 106(5):997- 1032.
- Rodrik, D. (1995); "Trade policy and Industrial Policy Reform", In Behrman,
- Rogoff, E. (1985). Can International Policy Coordination be Counterproductive? *Journal of International Economics*, No. 18, pp.199- 217.
- Romer, D. (1993). Openness and Inflation: Theory and Evidence. *The Quarterly Journal of Economics*, No.4, pp. 864-903.
- Romer, P. (1986), Increasing Return and Long Run Growth. *Journal of Political Economy*, No.94, pp. 1002-1037.
- Sachsida, A. , F. Godaro and P. R. A. Loureiro (2003). Does Greater Trade Openness Reduce Inflation? Further Evidence Using Panel Data Techniques. *Economic Letters*, No.81, pp. 315-319.
- Solow, R.M. (1957); "Technical Change and the Aggregate Production Function", *Review of Economics and Statistics*, 39: 312- 320.

Solow,R.M. (1956); "A Contribution to the Theory of Growth", Quarterly Journal of Economics, 70(1): 65- 94.

Swan,T.W. (1956); "Economic Growth and Capital Accumulation", Economic Record, 32: 334- 361.

Terra, C. (1998). Openness and Inflation: A New Assessment. The Quarterly Journal of Economics, No.113, pp. 641-648.

Yan Lee, H., L. A. Ricci and R. Rigobon (2004). Once Again, Is Openness Good for Growth? Journal of Development Economics, No. 75, pp. 451-472.

Yanikkaya, H. (2003). Trade Openness and Economic Growth: A Cross Country Empirical Investigation. Journal of Development Economics, No.72, pp.57-89.

Young, A. (1991). Learning by Doing and Dynamic Effects of International Trade. Quarterly Journal of Economics, No. 106, pp. 369-405.

Zakaria, M. (2010), "Openness and Inflation: Evidence From Time Series Data", *Doğuş Üniversitesi Dergisi*, Vol. 11, No. 2, PP. 313-322.